

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در آمدی بر خطوط اساسی

## « نظم جدید آینده جهان »

صورت‌بندی مفهومی بیانات امام خامنه‌ای عجله

تهیه و تنظیم:

محمدجواد هاشمی‌پور

مرکز علم و فناوری حدیث ولایت

دانشگاه جامع امام حسین (ع)

پاییز ۱۴۰۱



## پیشگفتار

بر اساس بیانات منتشر شده، اولین بار رهبر انقلاب (علیه‌السلام) در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۸۳ با استفاده از عبارت «هندسه‌ی معرفتی و سیاسی دنیا دگرگون شده است» به ایجاد تغییر در نظام جهانی اشاره نموده‌اند. پس از این ایشان در طی سالیان گوناگون به فراخور وقایع مختلف این موضوع را یادآور شده‌اند. در میان این بیانات، سه سخنرانی وجود دارد که ایشان به تفصیل به تشریح نظم جدید آینده جهان پرداخته‌اند:

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۰۶/۱۳

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

در این سه سخنرانی بیش از دیگر بیانات ایشان به تفصیل به توضیح این موضوع پرداخته‌اند و ابعاد گوناگون «نظم جدید آینده جهان» را توصیف نموده‌اند.

نوشتار پیش رو بر پایه چهارچوب اصلی ارائه شده در این سه سخنرانی و با جستجو در دیگر بیانات تلاش نموده است تا به بسط و صورت بندی مفهومی بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) با محوریت این موضوع با استفاده از متن دیگر بیانات بپردازد.

حاصل این تلاش در سه فصل با عناوین: نظم کنونی جهان، نظم جدید آینده جهان و جایگاه ایران در نظم جدید جهان ارائه می‌گردد.

لازم به ذکر است در متن، کلیدواژه‌های مفهومی هر عنوان به صورت برجسته و خط کشی ذیل کلمه مشخص شده است. همچنین نمایه‌های موضوعی که در متن مورد اشاره قرار گرفته، در حاشیه فراز جای‌گذاری شده‌اند.



## فهرست مطالب

- ۱- نظم کنونی جهان ..... ۹
- ۱-۱- پایه‌های نظم کنونی جهان ..... ۱۰
- ۱-۱-۱- پایه فکری-ارزشی نظم جهانی غربی ..... ۱۰
- ۱-۱-۲- پایه عملی (سیاسی- نظامی) نظم جهانی غربی ..... ۱۰
- ۱-۱-۳- توسعه روز افزون دستگاه تبلیغاتی غرب ..... ۱۱
- ۱-۱-۴- تزلزل پایه‌های نظم جهانی غربی ..... ۱۱
- ۱-۱-۴-۱- عوامل تزلزل پایه فکری- ارزشی غرب ..... ۱۱
- بحران روز افزون اخلاقی و معنوی در غرب .. ۱۲
- میل به مذهب در میان ملل ..... ۱۳
- تعارض‌های عملی با شعارهای غربی ..... ۱۳
- استفاده از زور، خشونت و سرکوب ..... ۱۴
- جریان‌سازی‌های تکفیری - تروریستی ..... ۱۴
- ۱-۱-۴-۲- عوامل تزلزل پایه عملی (سیاسی- نظامی) غرب ..... ۱۶
- ۲- نظم جدید آینده جهان ..... ۱۸
- ۲-۱- خطوط اصلی نظم جدید آینده جهان ..... ۱۸
- ۲-۱-۱- افول آمریکا ..... ۱۹
- ۲-۱-۱-۱- شواهد افول آمریکا ..... ۲۰
- شکست آمریکا در منطقه غرب آسیا ..... ۲۰
- شکست سیاست فشار حداکثری به ایران ..... ۲۱

- ضعف درونی آمریکا ..... ۲۱
- شکاف عمیق در حاکمیت آمریکا ..... ۲۲
- انتخاب ترامپ در آمریکا ..... ۲۲
- عدم انتظام اجتماعی در آمریکا ..... ۲۳
- نقض حقوق بشر در آمریکا ..... ۲۴
- فلج شدن اقتصاد آمریکا ..... ۲۴
- افزایش بدهی آمریکا ..... ۲۵
- حمایت از جنایتکاران عالم توسط آمریکا ..... ۲۵
- فرسودگی قدرت نرم آمریکا ..... ۲۵
- فرسودگی قدرت سخت آمریکا ..... ۲۶
- تقویت روحیه استقلال طلبی در مقابل آمریکا ..... ۲۷
- نفرت ملت‌ها از آمریکا ..... ۲۸
- ضعف ایدئولوژی و منطق آمریکا ..... ۲۹
- ۲-۱-۱-۲- پیامد افول آمریکا ..... ۳۰
- اضطراب هم‌پیمانان آمریکا ..... ۳۰
- ۲-۱-۱-۳- عامل افول آمریکا ..... ۳۱
- جمهوری اسلامی ایران ..... ۳۱
- ۲-۱-۱-۴- مکمل افول آمریکا ..... ۳۲
- فروپاشی اروپا ..... ۳۲
- ۲-۱-۲- انتقال قدرت به قاره آسیا ..... ۳۴
- ۲-۱-۲-۱- ریشه‌های قدرت در آسیا ..... ۳۴
- ۲-۱-۳- گسترش گفتمان مقاومت ..... ۳۷
- ۲-۱-۳-۱- علم ابزار استعمار سلطه‌گران ..... ۳۷

- ۲-۱-۳-۲- بیداری اسلامی ..... ۳۹
- ۲-۱-۳-۳- شکست طرح خاورمیانه بزرگ ..... ۴۲
- ۳- جایگاه ایران در نظم جدید جهان ..... ۴۳
- ۱-۳- تحلیل درست وقایع جهانی ..... ۴۳
- ۲-۳- ایفای نقش در نظم جدید جهان ..... ۴۴
- ۱-۲-۳- مسیر اقتدار ایران ..... ۴۵
- ۳-۳- دیپلماسی قوی و کارآمد ..... ۴۷
- ۱-۳-۳- استفاده از پیوستگی کشورهای جنبش عدم  
تعهد ..... ۴۷
- ۴-۳- حفظ وحدت امت اسلامی ..... ۴۸
- ۵-۳- رسالت دانشگاه در قبال جایگاه ایران در نظم  
جدید آینده جهان ..... ۵۰
- ۶-۳- وظیفه دینی و تاریخی مسئولین کشورهای  
اسلامی ..... ۵۱
- ۷-۳- ظرفیت‌ها برای نقش آفرینی در نظام جدید  
جهانی ..... ۵۲
- ۱-۷-۳- نیروی انسانی مستعد ..... ۵۲
- ۲-۷-۳- منابع طبیعی ایران ..... ۵۳
- ۳-۷-۳- موقعیت جغرافیایی ..... ۵۵
- ۴-۷-۳- منطق حکومتی ..... ۵۶
- ۱-۴-۷-۳- مردم‌سالاری دینی ..... ۵۶
- ۲-۴-۷-۳- پیام جهانی انقلاب اسلامی ..... ۵۷
- سرسختی در مقابل شیوه‌های متداول غرب .... ۵۷

۳-۶-۴-۳- پایه‌های اعتقادی، ایمانی، عقلی و عاطفی

نظام اسلامی ..... ۵۸

۳-۷-۴-۴- آمیختگی دین و زندگی ..... ۵۸

۳-۷-۵- پیشرفت و ترویج علم ..... ۶۰



---

---

## فصل اول

---

### ۱- نظم کنونی جهان<sup>۱</sup>

در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد میکند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان میفهمد و مشاهده میکند. بعد از جنگ اول جهانی، یک نظم جدیدی در عالم و بخصوص در منطقه‌ی ما به وجود آمد؛ قدرتهایی جان گرفتند، قدرتهای برتر عالم شدند؛ و بعد از جنگ دوم جهانی - که تا کنون حدود هفتاد سال از پایان آن میگذرد - این نظم جهانی استقرار پیدا کرد و مدیریت عالم به شکل خاصی درآمد. غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه به شکل نظام لیبرالیستی - که هردو غربی بودند - حاکم بر مدیریت جهان شد و مدیریت جهان در اختیار اینها قرار گرفت. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و مناطق گوناگون دنیا تحت نفوذ و هیمنه و اراده‌ی اینها در طول این هفتاد سال حرکت کردند. انسان بروشنی میبیند که این نظم در حال تغییر است که حالا من مختصراً اشاره میکنم و دلایل این تغییر و نشانه‌های این تغییر را عرض میکنم.

---

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳/۰۶/۱۳۹۳

## ۱-۱- پایه‌های نظم کنونی جهان

خب، وقتی که دنیا در حال تغییر است، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است، ما طبعاً وظایف مهم‌تری خواهیم داشت. در نظم جدید عالم، جایگاه اسلام، جایگاه جمهوری اسلامی، جایگاه کشور مهم ما ایران کجا خواهد بود؟ این را میتوانیم فکر کنیم، پیش‌بینی کنیم، در راه آن حرکت کنیم. آن نظم قبلی - که عرض کردیم حدود هفتاد سال به‌نحو مستقر در دنیا حاکم بود - دو پایه‌ی اساسی داشت: یک پایه‌ی فکری و ارزشی، و یک پایه‌ی عملی، یعنی نظامی و سیاسی. عرض من این است که هر دو پایه امروز دچار چالش شده، دچار تزلزل شده.

### ۱-۱-۱- پایه فکری-ارزشی نظم جهانی غربی

اما آن پایه‌ی اخلاقی و فکری عبارت بود از ادعای برتری فکری و ارزشی غرب - شامل اروپا و آمریکا - بر بقیه‌ی مناطق جهان و بقیه‌ی ملل عالم. شعارهایی را این‌ها مطرح کردند که این ربطی به پیشرفت‌های علمی و صنعتی ندارد؛ شعارهای جذاب و فریبنده مثل شعار آزادی، شعار دموکراسی، شعار حقوق بشر، شعار دفاع از ملتها و از آحاد انسان‌ها را سرپرست گرفتند و مطرح کردند و خواستند برتری نظام ارزشی خودشان را بر سایر مناطق عالم، بر ادیان عالم، بر نحله‌های (۴) گوناگون فکری و بخصوص بر اسلام، از این طریق تثبیت کنند. موفق هم شدند؛ یعنی در دنیای اسلام ما، افرادی، گروه‌هایی، شخصیت‌های سیاسی‌ای و دولت‌هایی که حقیقتاً معتقد شدند به برتری نظام ارزشی غرب، کم نیستند. امروز هم در داخل جامعه‌ی ما کسانی هستند که همین فکر و همین عقیده را دارند.

### ۱-۱-۲- پایه عملی (سیاسی - نظامی) نظم جهانی غربی

در بخش دوم که بخش عملی است - که پایه‌ی دوم قدرت غرب و تسلط غرب بر مدیریت جهان بود - مسئله‌ی توانایی‌های سیاسی و نظامی بود که اگر ملت‌ها یا دولت‌ها یا جریان‌های گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه‌ی اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند، این‌ها با فشار سیاسی و با فشار نظامی با آن‌ها مواجه می‌شدند و کارهای زیادی را انجام میدادند که کسانی که زیر بار آن عامل اول نمی‌رفتند، با فشار عامل دوم، یعنی فشار سیاسی و فشار نظامی و امنیتی، مجبور بشوند با آن‌ها همراهی کنند و همکاری کنند.

### ۱-۳- توسعه روز افزون دستگاه تبلیغاتی غرب

این را ما در دنیا مشاهده کردیم، در کشور خودمان مشاهده کردیم. دستگاه‌های تبلیغاتی غرب هم که روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کردند و مدرن می‌شدند و توانایی‌هایشان افزایش پیدا می‌کرد، این دو عامل - یعنی عامل برتری ارزشی و عامل سلطه‌ی نظامی و سیاسی - را مرتباً به رخ ملت‌ها کشیدند؛ صاحبان فکر را، روشنفکرها را و بتدریج عامه‌ی مردم را نسبت به آن به قناعت رساندند.

### ۱-۴- تزلزل پایه‌های نظم جهانی غربی

امروز هر دو عامل دچار چالش شده؛ هم آن عامل اول و هم عامل دوم. آن دو ابزار و دو سلاحی - که غرب با آن دو سلاح قادر بود دنیا را مدیریت کند و عملاً تسلط بر دنیا را به‌دست گرفته بود و مدیریت دنیا را به‌دست گرفته بود - هر دو عامل امروز در دنیا بتدریج ضعیف شده است.

### ۱-۴-۱- عوامل تزلزل پایه فکری - ارزشی غرب

اما آن عامل اول که عامل ارزشی بود - یعنی رجحان ارزش‌های غربی بر ارزش‌های ملل دیگر، ادیان، اسلام و غیره - دچار تزلزل

شده به دلایلی. عواملی موجب شده است که دچار تزلزل بشود. من چند عامل از این عوامل را اینجا یادداشت کرده‌ام که عرض میکنم:

### ● بحران روز افزون اخلاقی و معنوی در غرب

یکی از این عواملی که نظام ارزشی غرب را و سلطه‌ی معنوی این نظام را متزلزل کرده، بحران رو به افزایش اخلاقی و معنوی در غرب است؛ که نشانه‌ی بارز آن رواج احساس پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم - بخصوص در بین جوان‌ها - در غرب است. تلاشی خانواده؛ بنیان خانواده در غرب دچار تزلزل شدید است و متلاشی شده که این آثار را میگذارد. مسئله‌ی زن که بر روی مسئله‌ی زن جهت‌گیری غربی به‌نحوی بوده است که امروز حرکت فمینیستی - که از ده‌ها سال قبل شروع شده بود - زیر سؤال جدی از سوی متفکرین و روشنفکران و اهل فکر است؛ یعنی احساس میکنند که این یک دامی برای زن بود و زن را دچار محاذیر (۵) عجیب و غریبی کرده است که داستان مفصلی است. مسئله‌ی ارزش شدن منکرات؛ مثلاً همجنس‌بازی در غرب میشود ارزش؛ مخالفت با همجنس‌بازی میشود ضد ارزش! که اگر چنانچه - امروز در دنیای غرب این جور است - با کسی، با یک مقام دولتی‌ای، رئیس جمهوری، شخصیت برجسته‌ای مصاحبه کنند و او بگوید من با همجنس‌بازی مخالفم، این به‌عنوان یک نقطه‌ی منفی در کارنامه‌ی او در دنیا تلقی میشود؛ یعنی فضای اخلاقی غرب، به این جهت، به این سمت رفته. البته در این زمینه متوقف هم نخواهد ماند و پیش خواهد رفت و به جاهای بسیار بدتر و زشت‌تری خواهد انجامید. و این نکته را امروز - یعنی از چندین پیش، از چند سال قبل از این، شاید از ده پانزده سال قبل - متفکرین غربی و بعضی از خیرخواهان و دلسوزان غربی متوجه شده‌اند و مدام تذکر میدهند؛ لکن فایده‌ای ندارد؛ وقتی که یک

نظام اخلاقی به این سرراشیب افتاد، دیگر قابل جلوگیری نیست و سرنوشتی جز متلاشی شدن ندارد. این یک عامل برای به چالش گرفته شدن ارزش‌های غربی.

### • میل به مذهب در میان ملل

عامل دوم میل به مذهب است؛ که این در واقع واکنش به همین عامل اول است. در بین جماعات گوناگون کشورهای غربی، میل به مذهب، علاقه‌ی به مذهب، به طور خاص علاقه‌ی به اسلام، گرایش به اسلام، گرایش به فهم قرآن روزبه‌روز بیشتر شده است؛ که این را کسانی که دست‌اندرکارند، بخوبی میدانند. این هم یکی از چیزهایی است که نظام اخلاقی و ارزشی غرب را بشدت دچار چالش کرده.

### • تعارض‌های عملی با شعارهای غربی

عامل سوم بروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است؛ یعنی این‌ها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن‌قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به صورت یک امر مستهجن درآمد است؛ یعنی افراد صاحب فکر می‌فهمند. تعداد کودتاهایی که دولت‌های غربی و قدرتهای غربی علیه دولت‌های مستقل - غالباً دولت‌های ملی - انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، آمریکا پس از جنگ دوم [جهانی] تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده! در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ با ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که این‌ها در کارنامه‌ی آمریکا و دیگران مضبوط است. استفاده‌ی از بمب اتم؛ تنها موردی که بمب اتم استفاده شده است [توسط آمریکا است که بیش از همه دم از مردم و دم از حقوق مردم و مانند

این‌ها میزند و بیش از دویست هزار نفر کشته شدند - در آن حوادث ژاپن - و تعداد خیلی بیشتری هم دچار عوارض آن شدند. **زندان گولتانامو، زندان لیوگریب**، این حوادثی که پیش آمد، **زندان‌های مخفی** ای که در اروپا ثابت شد، برای همه و روشن شد که اینها زندانهای مخفی دارند و مردم را شکنجه میکنند و بی محاکمه نگه میدارند، که هنوز هم هست؛ همه دارند می‌بینند. این هم عامل سوومی بود که نظام ارزشی مورد ادعای غرب را به چالش کشید.

### • استفاده از زور، خشونت و سرکوب

عامل چهارم، پناه بردن به استفاده‌ی از زور و خشونت و سرکوب بود؛ انواع خشونت‌ها، از جمله **تحریم**. دیده شد و در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفت که وقتی که این‌ها با یک کشوری، با یک ملتی مسئله پیدا میکنند و نمیتوانند غلبه‌ی فرهنگی خودشان را بر این کشور تحمیل بکنند و سلطه‌ی خودشان را تأمین بکنند، دست به زور می‌برند و **لشکرکشی** میکنند؛ گاهی با لشکرکشی، گاهی با **ترور**، گاهی با راه‌لنداختن **جریان‌های تروریستی**؛ که این‌ها همه در همین زمان خود ما در همین اواخر دیده شده و این در مقابل چشم مردم دنیا است: حمله‌ی به کشورها، **حمله‌ی به عراق، حمله‌ی به افغانستان**، حملات گوناگون به شکل‌های مختلف به پاکستان و جاهای دیگر. این هم یکی از آن چیزهایی است که نظام ارزشی غرب را به چالش کشیده.

### • جریان‌سازی‌های تکفیری - تروریستی

و عامل پنجم هم جریان‌سازی‌هایی از قبیل همین جریان **القاعده** و **داعش** و مانند این‌ها. حالا این‌ها ادعا میکنند که اینها با ما مربوط نیست؛ اما همه میدانند. من یک چیزی را نقل کردم از

قول یکی از مسئولان معروف آمریکایی، بعد خودشان منکر شدند. علی الظاهر هست، این‌ها اعتراف میکنند که این جریان‌ها را این‌ها به راه لنداخته‌اند؛ اگر هم اعتراف نکنند ما شواهد داریم، ما میدانیم. من فراموش نمیکنم، مرحوم شیخ سعید شعبان - حالا آوردن اسمش دیگر اشکالی ندارد - عالم معروف اهل سنت، در مشهد - آن وقتی بود که ما در دوران جنگ بودیم - به من گفت که من اطلاع دارم که دارند تلاش میکنند برای اینکه شما را از طرف شرق کشورتان، مشغول کنند و درگیر کنند؛ من گفتم خب شرق ما افغانستان است؛ گفت بله از طرف افغانستان. این قبل از آن بود که این جریان طالبان و القاعده و این حرف‌ها در افغانستان راه بیفتد؛ ایشان خب ارتباط داشت با محافل گوناگون سیاسی و روحانی اهل سنت، در جاهای حساسی حضور داشت، شخص بسیار محترمی بود، مطلع شده بود، گفت من وظیفه‌ی خودم دانستم که این را به شما بگویم. بعد از اندکی هم همین حوادث اتفاق افتاد و دیدیم که همین جور بود که گفت. بنابراین شبهه‌ای وجود ندارد که راه لنداختن این جریان‌ها و ساختن این جریان‌ها، به‌دست همین قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای آن‌ها [است]. حالا ممکن است یک مواردی خودشان مستقیم وارد نشوند و دیگران [وارد شوند]. البته مستقیم هم وارد شدند؛ در همان قضیه‌ی طالبان من فراموش نمیکنم در مجلات آمریکایی، جوری از طالبان حرف میزدند که به‌نحوی ترویج آن‌ها بود؛ [البته] صریحاً ترویج نمیکردند اما کیفیت کار تبلیغاتی، ترویج طالبان بود آن اوایلی که این‌ها سرکار آمده بودند. بنابراین این‌ها عواملی است که آن نظام ارزشی مدعی برتری را - که غرب آن را مطرح میکرد - امروز در دنیا کاملاً به چالش کشیده؛ این حرف را دیگر از غربی‌ها و از قدرت‌های غربی کسی نمیپذیرد که این‌ها بگویند ما طرفدار حقوق بشریم، ما طرفدار

ارزش‌های انسانی هستیم، و مانند این‌ها. آن چیزهایی که در اعلامیه‌ی استقلال آمریکا در دویست سال قبل ذکر شده بود، همه عملاً نقض شده است.

## ۱-۱-۴-۲- عوامل تزلزل پایه عملی (سیاسی - نظامی) غرب

اما عامل دوم که عامل اقتدار سیاسی و نظامی بود، هم به چالش کشیده شد؛ مهم‌ترین چیزی که این عامل - عامل اقتدار نظامی و سیاسی - را به چالش کشید، برپایی نظام جمهوری اسلامی بود. در یکی از مناطق بشدت تحت نفوذ آمریکا، یک حرکت عظیم انقلابی با این ابعاد به وجود می‌آید، یک نظامی را مبتنی بر تفکراتی که آن‌ها این همه برای حذف این تفکرات تلاش کرده بودند به وجود می‌آورد، و این نظام با حملات گوناگون و متنوع آن‌ها - حملات سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و غیره - از بین نمی‌رود بلکه روزبه‌روز هم قوی‌تر می‌شود؛ تا امروز که نظام جمهوری اسلامی نظامی است به معنای واقعی کلمه مقتدر. البته نظام اسلامی، هم مقتدر است، هم مظلوم است. این اقتدار نظام، منافاتی ندارد با مظلومیت؛ یک وقتی عرض کردیم، مثل امیرالمؤمنین: حاکم مقتدر نظام اسلامی در زمان خود، اما در عین حال مظلوم‌ترین مظلومان؛ نظام جمهوری اسلامی هم همین جور است. اقتدار آن منافاتی با مظلومیتش ندارد و این مظلومیتی که امروز این نظام دارد، نشانه‌ی عدم اقتدار نیست؛ واقعاً اقتدار نظام جمهوری اسلامی، امروز امر واضحی است؛ این را دشمنان آن هم دارند اعتراف می‌کنند. بعد هم حوادثی که اتفاق افتاد، ایستادگی هشت‌ساله‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران در دفاع مقدس؛ چیز کوچکی نبود، حادثه‌ی بسیار مهمی بود. این نشان داد که توانایی‌های نظامی و امنیتی قدرت‌های مسلط بر عالم، قادر نیستند از ایستادگی یک ملت



بکاهند یا به آن ضربه بزنند، و این خواهد توانست خودش را بر آن‌ها تحمیل کند، کما اینکه تحمیل کرد. بعد هم دیگر حوادث منطقه، حوادث فلسطین، حوادث لبنان، جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۸ روزه ی غزه، و این جنگ اخیر ۵۰ روزه ی غزه که واقعاً جزو نمونه‌های معجزه‌آسا است. یک منطقه‌ی کوچک، محدود، با توانایی‌های بسیار محدود، کاری بکند که رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است، به زانو در بیاید؛ این اصرار کند بر آتش‌بس، آن‌ها قبول نکنند آتش‌بس را؛ این مدام اصرار کند، آن‌ها بگویند نخیر، شرط قبول آتش‌بس این چیزها است؛ و تا این چیزها حاصل نشد، آتش‌بس را قبول نکردند؛ این خیلی حادثه‌ی مهم و قابل تحلیلی است. این‌ها نشان می‌دهد که اقتدار و برتری نظامی - سیاسی غرب، به معنای واقعی کلمه به چالش کشیده [شده]. امروز در دنیای غرب این جمع‌بندی جمع‌بندی رایجی است که خیلی از افراد ذی‌نفوذ در غرب، معتقدند که «جنگ» دیگر یک گزینه‌ی معتبر و باصرفه برای غرب نیست؛ امروز خیلی از سیاسیون در آمریکا - عمدتاً در آمریکا، و [نیز] در برخی از کشورهای اروپایی - این را مطرح میکنند و میگویند که جنگ برای ما دیگر یک گزینه‌ی باصرفه نیست، معنای این همین است که توانایی‌های نظامی و اقتدار نظامی - امنیتی غرب کاملاً به چالش کشیده شده. خب، قدرت‌های جدیدی هم که در آسیا و در شرق ظهور کردند - مثل قدرت چین، مثل قدرت هند، و امثال این‌ها - این‌ها هم ابعاد دیگر قضیه را روشن میکند. خب، این وضع منطقه و وضع جهان است و دلیل بر اینکه نظم قبلی جهانی دیگر قابل استمرار نیست که غربی‌ها مدیریت جهان را به دست بگیرند.

---

## فصل دوم

---

### ۲- نظم جدید آینده جهان

وضعیتی که امروز در دنیا هست، وضعیت تحول است. اوضاع جهان در حال تبدیل به یک شکل جدید و هندسه‌ی جدید است. اگر بخواهیم در گذشته‌های نزدیک - مثلاً در حدود یکی دو قرن - نظیری برای این پیدا کنیم، تقریباً شبیه اوضاع بعد از جنگ بین‌الملل اول، البته در جهت عکس آن است؛ آن روز هم هندسه‌ی سیاسی و اقتصادی دنیا تغییر اساسی و بنیادی کرد. یا قبل از آن، در دورانی که اروپائی‌ها استعمار را شروع کردند؛ یک وضعیت جدیدی در دنیا به وجود آمد، شکل عمومی دنیا عوض شد. تحولاتی که امروز مشاهده میشود، از این جنس است؛ جنس تغییر شکل عمومی دنیا؛ البته در جهت عکس آن دو مثالی که زدیم؛ در جهت تبادل قدرت و توانائی‌های عمومی بین شرق و غرب، یا بین بخشی از ملت‌های دنیا با بخش دیگر. پیداست که به سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم. شواهد و نشانه‌هایی که این تحول را نشان میدهد، چه چیزهایی است؟<sup>۱</sup>

### ۲-۱- خطوط اصلی نظم جدید آینده جهان

حالا این نظم جدیدی که بنده عرض میکنم که نظم کنونی به نظم جدید تغییر پیدا خواهد [کرد]، چیست؟ نمیشود دقیق گفت، نمیشود بدقت گفت که نظم این چنینی است اما میشود یک

---

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

خطوطی را ترسیم کرد. یک خطوط اساسی‌ای هست که مطمئناً این خطوط اساسی در این نظم جدید هست.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱- افول آمریکا

خطّ اساسی اوّل عبارت است از انزوای آمریکا؛ آمریکا در نظم جدید جهانی منزوی خواهد بود. برخلاف آنچه ده بیست سال پیش بوش پدر گفت که امروز تنها قدرت مسلّط دنیا آمریکا است؛ بعد از قضیه‌ی حمله‌ی عراق به کویت و ورود آمریکایی‌ها و متلاشی کردن حمله‌ی عراقی‌ها، [بوش پدر] با غرور تمام — به این مضمون — گفت که امروز همه‌کاره‌ی دنیا آمریکا است؛ در این نظم جدیدی که من می‌گویم نه، آمریکا دیگر جایگاه مهمّی ندارد و منزوی است.<sup>۲</sup>

خب، پس یکی اینکه آمریکا مجبور میشود دست و پایش را از جهان جمع کند. الان آمریکایی‌ها در بسیاری از مناطق دنیا پایگاه دارند؛ در منطقه‌ی ما، در اروپا، در آسیا، پایگاه‌های نظامی با جمعیت‌های زیاد، پولش را هم از خود آن کشور بیچاره‌ای که در آنجا پایگاه هست می‌گیرند؛ هزینه‌هایش را او باید تأمین کند و آمریکایی‌ها بخورند و آقایی کنند! این دیگر تمام میشود؛ دست و پای آمریکا از حضور در سراسر جهان جمع خواهد شد. این، آن خطّ اصلی اوّل، از خطوط اساسی نظم جدید آینده‌ی جهان.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه‌ی دنیا انسان احساس میکند، افول وجهه‌ی آمریکاست. آمریکا به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا، چندین دهه با وجهه زندگی کرد؛ که همین وجهه موجب شد نفوذ پیدا کند. در دهه‌های اول نیمه‌ی دوم قرن بیستم، این وجهه در اوج بود. در ایران خود ما

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۲. همان

۳. همان

همین جور بود؛ دولت ملی‌ای مثل دولت مصدق که از زیر بار انگلیس میگریخت، به دامن آمریکا پناه می‌برد؛ این وجهه بود. در همه‌ی دنیا یک چنین حالتی بود. امروز این وجهه به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است. دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه‌ی عمومی ندارد. «مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود. یک دولت طرفدار ظلم، طرفدار جنگ، طرفدار انباشت تسلیحات، طرفدار سلطه‌ی بر ملت‌ها، طرفدار زورگوئی، دخالت در همه جا، یک چنین عنوانی پیدا کرده؛ این هم یکی از نشانه‌هاست. بنابراین تحول در سطح جهان، یک امر قطعی است.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱-۱- شواهد افول آمریکا

### • شکست آمریکا در منطقه غرب آسیا

از امپراتوری رسانه‌ای و شیوه‌های جنگ نرم، تا جنگ‌افروزی و شعله‌ور ساختن جنگ‌های نیابتی، تا وسوسه‌گری و خبرچینی سیاسی، و تا تهدید و تطمیع و رشوه .. همه و همه از سوی آمریکا و دیگر مستکبران به کار گرفته می‌شود تا دنیای اسلام را از مسیر بیداری و سعادت خود جدا کنند. رژیم جنایتکار و سیه‌روی صهیونیست در این منطقه هم یکی از ابزارهای این تلاش همه‌جانبه است. به فضل و اراده‌ی الهی این تلاش‌ها در بیشتر موارد ناکام مانده و غرب مستکبر در منطقه‌ی حسّاس ما و اخیراً در همه‌ی جهان روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. پریشانی و ناکامی آمریکا و همدست جنایتکار او یعنی رژیم غاصب در منطقه را میتوان در

صحنه‌ی حوادث فلسطین و لبنان و سوریه و عراق و یمن و افغانستان بوضوح تماشا کرد<sup>۱</sup>.

• شکست سیاست فشار حداکثری به ایران

امروز در میدان سیاسی، مهم‌ترین حامی رژیم غاصب، یعنی آمریکا، خود دچار شکست‌های پی‌درپی شده است: شکست در جنگ افغانستان، شکست در سیاست فشار حداکثری بر ایران اسلامی، شکست در برابر قدرت‌های آسیا، شکست در کنترل اقتصادی جهان، شکست در مدیریت داخلی خود، و پدیده‌ی شکاف عمیق در حاکمیت آمریکایی<sup>۲</sup>.

دشمنان ما و در رأس آن‌ها آمریکا در صدد بودند که ملت ایران را با این فشار حداکثری به زانو دریاورند. امروز خود آنها و رفقای اروپایی‌شان صریحاً می‌گویند که فشار حداکثری شکست خورده. ما میدانستیم شکست می‌خورد و عازم بودیم که دشمن را شکست بدهیم در این زمینه. میدانستیم ملت ایران می‌ایستد، ولی امروز خود آن‌ها دارند اعتراف می‌کنند به اینکه این فشار حداکثری شکست خورده است<sup>۳</sup>.

• ضعف درونی آمریکا

امروز جهان در آستانه‌ی یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دوقطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود — آمریکا و شوروی؛ غرب و شرق — و در مقابل نظم تک‌قطبی‌ای که بوش پدر بیست و چند سال پیش اعلام کرد. بعد از خراب شدن دیوار برلین و از بین رفتن دستگاه مارکسیستی دنیا و حکومت‌های سوسیالیستی، بوش

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۴۰۱/۰۴/۱۷

۲. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۴۰۱/۰۲/۰۹

۳. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰ - ۳۰/۱۲/۱۳۹۹

گفت امروز دنیا، دنیای نظم نوین جهانی، نظم تک قطبی آمریکا است؛ یعنی آمریکا در رأس دنیا قرار دارد. او البته اشتباه میکرد؛ بد فهمیده بود. از همان بیست سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز روز به روز آمریکا ضعیف تر شده؛ روز به روز ضعیف تر شده؛ هم در درون خودش و در سیاست های داخلی اش، هم در سیاست های خارجی اش، هم در اقتصادش، هم در امنیتش، در همه ی چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز ضعیف تر شده، لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه ی یک نظم جدید است.<sup>۱</sup>

### • شکاف عمیق در حاکمیت آمریکا

امروز موازنه ی قوا به نفع دنیای اسلام تغییر یافته است. حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا، ضعف ها و اختلالات عمیق ساختاری و مدیریتی و اخلاقی غربی ها را در برابر جهانیان عریان کرد. قضایای انتخابات در آمریکا و آزمون بشدت رسوای مدیران پُرمدعا و متکبر آن، و نیز مواجهه ی یک سلله ی ناموفق با کرونای همه گیر در آمریکا و اروپا و حواشی شرم آور آن، و آشفتگی های سیاسی و اجتماعی اخیر در مهم ترین کشورهای اروپایی، همه نشانه ی سیر نزولی و افولی اردوگاه غرب است.<sup>۲</sup>

### • انتخاب ترامپ در آمریکا

افول سیاسی آمریکا اگر یک دلیل - که حالا میگویم - بیشتر نداشته باشد کافی است، و آن دلیل عبارت است از انتخاب فردی با مختصات آقای دونالد ترامپ در آمریکا. خود این انتخاب، نشانه ی افول سیاسی آمریکا است؛ سرنوشت سیصد و اندی میلیون جمعیت دست یک آدمی با این مختصات، نشانه ی افول سیاسی آمریکا است. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او،

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۰۲/۰۶.

۲. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۴۰۰/۰۲/۱۷.

تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشوری میشود، نشان‌دهنده‌ی افول آن کشور است؛ افول سیاسی، افول اخلاقی.<sup>۱</sup>

### • عدم انتظام اجتماعی در آمریکا

این کسانی که تصوّر غیر واقعی از توانایی‌های آمریکا و بعضی از قدرت‌های دیگر دارند، بایستی به واقعیّات درست توجّه کنند. هیاهوی قدرت‌های جهانی زیاد است و با همین هیاهو بزرگ‌نمایی میکنند [اما] واقع قضیه این نیست. حالا در همین قضایای اخیر که در آمریکا اتفاق افتاد، [یعنی] این مسئله‌ی سقوط ترامپ با این وضع مفتضح و حوادثی که حول و حوش این قضیه اتفاق افتاد - که چیزهای کوچکی نیست - این افول یک رئیس‌جمهور نلاب نبود؛ افول آبروی آمریکا بود، افول قدرت آمریکا بود، افول انتظام اجتماعی آمریکا بود؛ این را من نمیگویم، این را خودهایشان گفتند؛ صاحب‌نظران برجسته‌ی سیاسی‌شان اعلام کردند که نظام آمریکا از درون پوسیده است؛ این را خود آمریکایی‌ها در این قضایای اخیر گفتند؛ گفتند نظام اجتماعی آمریکا از درون پوسیده است؛ خیلی حرف بزرگی است؛ بعضی‌های دیگر گفتند که دوران پسا آمریکا آغاز شده است؛ این‌ها حرف‌های آن‌ها است. خب، واقعیّت قضیه این است. البته از لحاظ اقتصادی هم مشکل دارند اما مشکل عمده‌ی آن‌ها از لحاظ انتظام نظام اجتماعی و نظام سیاسی آن‌ها است که نشان‌دهنده‌ی این است که بکلی متزلزلند. اگر این حادثه‌ای که در آمریکا اتفاق افتاد، در هر نقطه‌ی دیگر دنیا، بخصوص در کشورهایی که با آمریکا خیلی میانه‌ای ندارند اتفاق می‌افتاد، مگر به این زودی رها میکردند؟ لکن حالا امپراتوری خبری دنیا بیشتر در اختیار خود آن‌ها است، سعی میکنند قضیه را مستور

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

نگه دارند و تمام کنند و سر و تهش را به هم بیاورند؛ اما قضیه تمام شده نیست؛ قضیه، خیلی قضیه‌ی مهم و دنباله‌داری است.<sup>۱</sup>

امروز در جامعه‌ی آمریکا، خشم عمیق از حضور قدرتمند لابی صهیونیستی بتدریج دارد توسعه پیدا میکند. این نارضائی در بین مردم آمریکا - که مرکز تحرک صهیونیست‌ها و قدرتمندان صهیونیستی و سرمایه‌داران صهیونیست است - بتدریج دارد به وجود می‌آید؛ البته رژیم حاکم در آمریکا بر مردم بسیار سخت میگیرند - یک نوع خاص سختگیری - و آنچنان این‌ها را مشغول زندگی و گرفتار زندگی میکنند که فرصت سر خاراندن ندارند؛ در عین حال این حالت دارد به وجود می‌آید. این اطلاعات موثق ماست. در کشورهای اروپائی هم به یک نحو دیگر.<sup>۲</sup>

### • نقض حقوق بشر در آمریکا

شما امروز وضع آمریکا را مشاهده میکنید؛ وضع و حال بت بزرگ را امروز شما می‌بینید که این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است؛ این حقوق بشرشان است، حقوق بشری که هر چند ساعت یک بار، یا حداقل چند روز یک بار، یک سیاه پوست را بدون دلیل، بدون جرم در خیابان میکشند، و کشنده و قاتل هم تعقیب نمیشود؛ این ارزش‌هایشان است که همین طور میگویند ارزش‌های آمریکایی، ارزش‌های آمریکایی، و امروز این ارزش‌ها مایه‌ی مسخره‌ی همه‌ی دنیا شده، حتی دوستانشان آن‌ها را مسخره میکنند.<sup>۳</sup>

### • فلج شدن اقتصاد آمریکا

۱. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

۲. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

۳. بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۹/۱۰/۱۹



اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است، ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]؛ این وضع امروز آمریکا است. این البته چیز مهمی است لکن عجیب‌تر از این، این است که یک عده‌ای هنوز قبله‌شان آمریکا است، هنوز امید و آرزویشان به آمریکا است؛ آمریکایی که در یک چنین وضعی است.<sup>۱</sup>

### • افزایش بدهی آمریکا

آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه‌ی آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی این‌ها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق‌وبرق، با شعار، با حرف‌های گوناگون، با ظاهرسازی‌ها روی این‌ها را میپوشانند اما واقعیت‌های آمریکا این است.<sup>۲</sup>

### • حمایت از جنایتکاران عالم توسط آمریکا

از جنایت‌ها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی این‌ها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه‌ی چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن این‌ها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت میکنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟<sup>۳</sup>

### • فرسودگی قدرت نرم آمریکا

بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته‌ی خود و نظر خود و عقیده‌ی خود را به اطراف بقبولاند و آن‌ها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز

۱. همان

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

۳. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است؛ در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوپاما هم همین جور بود اما زمان این آقا که دیگر به طور واضح با او مخالفت میشود؛ در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم میگیرد، در دنیا با او مخالفت میشود. نه فقط مخالفت مردمی - که اگر قرار باشد رأی‌گیری کنند و از مردم هر کشوری سؤال کنند، نظرات منفی خواهند داد - حتی دولت‌ها هم که رودربایستی دارند با آمریکا، با او مخالفت میکنند؛ چین مخالفت میکند، اروپا مخالفت میکند، روسیه مخالفت میکند، هند مخالفت میکند، آفریقا مخالفت میکند، آمریکای لاتین مخالفت میکند. قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. این را من نمیگویم؛ این جزو حرف‌هایی است که جامعه‌شناس‌های مطرح دنیا امروز دارند این حرف را میزنند. نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است بلکه حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه‌ی اساسی تمدن غرب است، این‌ها بی‌آبرو کردند، دارند بی‌آبرو میکنند.<sup>۱</sup>

### • فرسودگی قدرت سخت آمریکا

بنده عرض میکنم قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی گری، قدرت اقتصاد؛ این‌ها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد است. برای همین است که در بسیاری از کشورهایی که آن‌ها حضور دارند، برای اینکه بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند، از سازمان‌های جنایت‌کاری مثل بلک‌واتر و از این قبیل استفاده میکنند؛ یعنی سرباز آمریکایی

قادر به اجرای آن نقشه‌ی آمریکایی نیست؛ نیروی انسانی‌شان این است.<sup>۱</sup>

### • تقویت روحیه استقلال طلبی در مقابل آمریکا

یکی از مظاهر شکست آمریکا این است که نتوانسته بر روحیه‌ی استقلال طلبی در ملت ما و بر روی جوانان ما اثر بگذارد. شما ببینید، امروز احساسات جوانان و نوجوانان عزیز ما در سرتاسر کشور احساسات استقلال طلبانه است. بعضی‌ها حتی به مبانی دینی هم خیلی پایبند نیستند اما نسبت به تسلط بیگانه احساس مقاومت میکنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا با این همه تبلیغات، با این همه تلاشی که انجام داده است، با این امپراتوری خبری و رسانه‌ای که در دنیا راه انداخته، نتوانسته روی نسل جوان کشور ما اثر بگذارد؛ **روحیه‌ی مقاومت** آن‌ها را و استقلال طلبی آن‌ها را نتوانسته ضعیف کند و از بین ببرد. بجد این را من عرض میکنم - چون مشاهده میکنم - که امروز جوان‌های ما از لحاظ انگیزه‌ی ایستادگی و مقاومت از جوان نسل اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب‌تر نیستند؛ امروز این را انسان دارد بدرستی مشاهده میکند. مخصوص جوان‌های ما هم نیست، این بتدریج در بین جوانهای کشورهای دیگر هم تا آنجایی که ما اطلاع داریم، رسوخ پیدا کرده؛ بخصوص کشورهای همسایه‌ی ما. جوان‌های عزیز مؤمن در کشورهای نزدیک به ما و همسایه‌ی ما که انسان حرف‌های آن‌ها را، اقدام‌های آن‌ها را، پیام‌های آن‌ها را میبیند، رفتارهای آن‌ها را، احساس میکند که روحیه‌ی استقلال در آن‌ها زیاد است. البته دشمن -آمریکایی‌ها- بعضی از این چیزها را از چشم ما میدانند؛ میگویند این به‌خاطر حرکت **جولنان ایرانی** است. تهدید هم میکنند ما را، تهدید میکنند که چرا جوان‌های فلان کشور به

نیروهای ما حمله کردند؟ یعنی این واقعاً از آن حرف‌های عجیب و غریب [است]! پیغام می‌دهند که جوان‌های فلان کشور همسایه‌ی شما اگر چنانچه به نیروهای ما حمله بکنند یا به افراد طرف‌دار ما حمله کنند، ما شما را مقصّر میدانیم! خب شما غلط میکنید ما را مقصّر میدانید. مردم عراق از شما متنفرند، جوان‌های عراق از شما متنفرند، جوان‌های سوریه از شما متنفرند، جوان‌های لبنان از شما متنفرند، این طرف در شرق، جوان‌های افغانستان از شما آمریکایی‌ها متنفرند، جوان‌های پاکستان از شما آمریکایی‌ها متنفرند، این به ما چه ربطی دارد! از شما متنفرند، ممکن است یک اقدامی هم علیه شما بکنند. بله، این یک واقعیتی است، آمریکایی‌ها چرا درک نمیکنند؟ نفرت ملت‌ها از خودشان را چرا نمیفهمند، چرا درک نمیکنند؟ بد کردید، عمل زشت انجام دادید، سیطره‌جویی کردید به این کشورها، به این مردم اهلنت کردید، [لذا] از شما متنفرند. مردم عراق حق دارند از شما متنفر باشند، مردم سوریه حق دارند از شما متنفر باشند، کشورهای دیگر هم همین‌جور. آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند.<sup>۱</sup>

### • نفرت ملت‌ها از آمریکا

آن طرف قضیه، دولتمردان آمریکا هستند؛ دولت مستکبر آمریکاست. در دنیا هیچ کس نیست که شک داشته باشد در این که آمریکا در این سی سال، بیش از سی رتبه از لحاظ اقتدار و وجاهت جهانی سقوط کرده؛ همه این را می‌بینند و میدانند؛ خود آمریکائی‌ها هم به همین اقرار میکنند. همین سیاستمداران قدیمی کهنه‌کار آمریکائی، دولت‌ها و دولتمردان فعلی را - که باید گفت دولتمردان و دولت‌زنان (!) فعلی را - مسخره میکنند که شما آمریکا را از آنجا رساندید به اینجا. راست هم می‌گویند؛ آمریکا سقوط کرده.

امروز هیچ دولتی در دنیا به قدر دولت آمریکا منفور نیست. اگر امروز دولت‌های منطقه‌ی ما و دولت‌های دیگر جرأت کنند و یک روزی را به عنوان روز براثت و نفرت از دولت آمریکا معین کنند و به مردم بگویند در این روز بیائید راهپیمائی کنید، بزرگترین راهپیمائی تاریخ در دنیا اتفاق خواهد افتاد! این از موقعیت آبرویی آمریکا.<sup>۱</sup>

هندسه‌ی معرفتی و سیاسی دنیا دگرگون شده است. یک روز این‌طور تصور می‌شد و این‌طور تبلیغ می‌شد که همه‌ی راه‌های پیشرفت و تمدن به لیبرال دمکراسی، آن هم به شکل امریکایی‌اش، ختم می‌شود؛ اما امروز این‌طور نیست. امروز بسیاری از ملت‌ها کاملاً در این مسأله نظر مخالف دارند و البته بعضی هم شک دارند. امروز امریکا علی‌رغم قدرت روزافزون نظامی و مالی خود، در حسیض شکست سیاسی است و در دنیا منزوی است. هیچ‌وقت نفرت از امریکا مثل امروز در دنیا نبوده است. شرق و غرب هم ندارد؛ آسیا و اروپا و آفریقا هم ندارد، همه‌جا این‌طور است. این را خود امریکایی‌ها اعتراف می‌کنند و این حرف من نیست. آن‌ها خودشان اعتراف می‌کنند که نمی‌شود با زور بر دنیا سلطه پیدا کرد. برژینسکی اخیراً کتابی نوشته به نام «سلطه یا رهبری». او در این کتاب نوشته است که سلطه‌ی با زور و با اقتدار بر جهان برای امریکا، مساوی است با انزوای روزافزون امریکا در دنیا؛ راست هم می‌گوید؛ روزبه‌روز منزوی‌تر خواهد شد و همین انزوا آن سلطه را هم نابود می‌کند.<sup>۲</sup>

### • ضعف ایدئولوژی و منطق آمریکا

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۰/۰۸/۱۳۹۱

۲. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۲۵/۰۵/۱۳۸۳

در مقابله‌ی جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری میزند؛ قدرت نرم‌افزاری یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نویی که تعیین‌کننده‌ی زندگی باشد؛ سخن نوبه میان آوردن. این‌ها حرف نوندارند، منطق ندارند. در قدرت نرم‌افزاری، آمریکا بشدت ضعیف است؛ حرفش زورگویی است، منطقش ضعیف است، لیبرال‌دموکراسی اش امروز در دنیا مفتضح است - رفتار و شیوه‌های اعمال لیبرال‌دموکراسی که به آن افتخار میکردند، امروز در دنیا به صورت مفتضح مورد انتقاد صاحب‌نظران دنیا است - برای همین هم هست، به خاطر همین هم هست که شما ملاحظه میکنید آمریکای دارای قدرت اتمی، دارای تکنولوژی پیشرفته، دارای پول فراوان، در بسیاری از مناطق عالم شکست خورده است؛ در عراق شکست خورد، در سوریه شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در پاکستان شکست خورد، در افغانستان شکست خورد، در مواجهه‌ی با قدرت‌های دنیا شکست خورده است و میخورد و امروز شکست‌های دیگری هم آن طوری که انسان مشاهده میکند در انتظار آمریکا است. این تصویرسازی آن‌ها از خودشان است که یک تصویرسازی غلط و دروغین است.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱-۲- پیامد افول آمریکا

### • اضطراب هم‌پیمانان آمریکا

آمریکا واقعاً افول کرد و برای همین است که دولت‌های وابسته‌ی به آمریکا در منطقه دستپاچه‌اند، سراسیمه‌اند؛ بخصوص رژیم صهیونیستی. این یاوه‌گویی‌هایی که اخیراً می‌شنوید سران رژیم صهیونیستی می‌گویند، بیشتر ناشی از ترسشان است، ناشی از

۱. بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه

سراسیمگی و اضطرابشان است به خاطر آنچه در آمریکا اتفاق افتاده. البته آن‌ها درست هم فهمیدند؛ دنیا در این زمینه شاهد و ناظر است که آمریکا، هم در محیط داخلی خود و هم در محیط بین‌المللی افول کرده.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱-۳- عامل افول آمریکا

### • جمهوری اسلامی ایران

نمونه‌ی دیگر از پیشرفت ملت ایران این است که ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تأثیرگذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه‌ی خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، از اول انقلاب بمراتب قوی‌تریم. این مسئله، نمونه‌هائی دارد، شواهدی دارد؛ این را دشمنان ما میگویند. یکی از رؤسای رژیم جعلی صهیونیستی، که دشمن شماره‌ی یک ملت ایران و انقلاب ایران است، اعتراف میکند و میگوید - این‌ها عین عبارت اوست - امروز یک نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدف‌های ما پیش میرود و ایران رهبری این قدرت را به دست گرفته است. این سیاستمدارِ درمانده و حیرت‌زده اعتراف میکند و میگوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است! یک سیاستمدارِ کهنه‌کارِ شناخته‌شده‌ی آمریکائی هم که ما با وضع او کاملاً آشنا هستیم، در یک جلسه‌ای مقایسه میکند آمریکای ۲۰۰۱ میلادی را با آمریکای ۲۰۱۱ میگوید - که این حرف‌ها همه مال همین دو سه ماه اخیر است - کدام دیوانه‌ای وضعیت آمریکای ابرقدرتِ اول هزاره را به شرائط رقتبار آمریکا در سال ۲۰۱۱ - سال گذشته‌ی میلادی - تبدیل کرده است؟ بعد میگوید: این تحولاتی که اتفاق افتاده و به این وضع منتهی شده است، دامن‌زننده‌ی به

۱. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

این تغییر، ایران است. معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود، بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه، این تأثیرات ژرف را باقی بگذارد.<sup>۱</sup>

اگر نظام جمهوری اسلامی در دنیا سر نکشیده بود و طلوع نکرده بود، مشکل آن‌ها به این زودی پیش نمی‌آمد و ممکن بود این مشکل پنجاه سال دیگر برای آن‌ها بروز پیدا کند؛ ممکن هم بود این مشکل به این زودی‌ها پیش نیاید. اما حضور جمهوری اسلامی و ظهور جمهوری اسلامی کار را بر این‌ها مشکل کرده؛ لذا بشدت دشمنند. دشمنی هم میکنند؛ اما دشمنی دستپاچه و سراسیمه. دشمنی‌ها از این قبیل است. حالا کارهائی که میکنند، تدابیری که میکنند، جنجال‌هائی که میکنند، تبلیغاتی که دنبالش می‌گذارند، یک قطعنامه در سازمان ملل، چند قلم تحریم، بعد هم بزرگنمایی تحریم‌ها، بیش از آنچه که واقعیت دارد این تحریم‌ها را اهمیت دادن، بعد تهدید نظامی را هم به صورت احتیاطاً نیم‌بند پشت سرش نگه داشتن، همه به خاطر این است که این‌ها در مواجهه‌ی با این حرکت عظیم و متین و بنیانی اسلامی در کلیه‌ی جهان اسلام، دچار انفعالند. ملت ایران هم پیشرو این حرکتند.<sup>۲</sup>

## ۲-۱-۱-۴- مکمل افول آمریکا

### • فروپاشی اروپا

یک نشانه‌ی دیگر، حوادث امروز اروپاست. این آینده‌ی مبهمی که سایه افکنده بر کشورهای ثروتمند اروپا، کشورهای غرب اروپا،

۱. بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۱

۲. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۲۰/۰۴/۱۳۸۹



حوادث بسیار مهمی است. این قضایای اقتصادی ربطی هم به خطاهای تاکتیکی و راهبردی ندارد که بگوئیم فلان تاکتیکشان در فلان جا غلط بود، دچار این مخمصه شدند؛ یا فلان راهبردها غلط بود، دچار این گرفتاری شدند؛ نخیر، قضیه این نیست؛ قضیه، قضیه‌ی بنیانی است. خطاهای بنیانی وجود دارد. آنچه که امروز دارد اتفاق می‌افتد، ناشی از خطای در نگاه فلسفی و بنیانی و فکر غرب نسبت به جهان و انسان است؛ خطای در جهان بینی است. البته اینجور خطاها، مثل خطاهای تاکتیکی تأثیراتش سریع نیست؛ مثل خطاهای راهبردی، تأثیراتش میان مدت نیست؛ این خطاها تأثیراتش بلندمدت است. بعد از دو سه قرن، این خطاها دارد خودش را نشان می‌دهد؛ و بدانید که این‌ها را زمین خواهد زد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۲- انتقال قدرت به قاره آسیا

خطّ اساسی دوم؛ انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا. امروز قدرتهای غربی هم اقتدار سیاسی دارند، هم اقتدار علمی دارند، هم اقتدار فرهنگی دارند، هم اقتدار اقتصادی دارند؛ یعنی خیلی چیزها دارند، البته تعبیر درست ترش این است که بگوییم داشتند، و دارند آرام آرام از دست میدهند؛ ولی خب [اینها را] سالها داشتند دیگر؛ دو سه قرن غربیها این جوری عمل کردند. در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد. آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی؛ ما در آسیاییم.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۲-۱- ریشههای قدرت در آسیا

بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. اینها از دولتها و قدرتهای شرقی استفاده می کردند. مثلاً وقتی که چین انقلاب کرد، تا ده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی - که برادر بزرگ او محسوب می شد و در انقلاب سوسیالیستی پیشگام بود - به چین کمک اقتصادی و فنی می کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور می فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین گونه بودند.<sup>۲</sup>

این چینیها - که الان شما مشاهده کردید و در جریان المپیک در پکن، یک گوشه‌ای از توانائیهای فنی چینیها نشان داده شد و در واقع رو شد - خیلی پیشرفت‌های خوبی دارند از لحاظ علمی؛ اما توجه داشته باشید، اینها در سال ۱۹۴۸ - که چین جدید و چین کمونیست در آن سال تشکیل شده - هیچ چیز نداشتند! ولیکن

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۰/۰۱/۱۳۶۹

شوروی - یک حکومت با سابقه‌تر از لحاظ ایدئولوژی، و با سابقه‌ی بسیار بیشتر از لحاظ پیشرفت‌های علمی و فنی - هر چه داشت در اختیار چین قرار داد؛ زمان استالین هم بود. وجود یک کشور عظیم مثل چین - البته آن وقت جمعیتش مثل حالا نبود؛ اما بالاخره کشور بزرگ، پهناور و پرجمعیتی بود - در کنار کشور بزرگ شوروی و در قلب آسیا، برای شوروی کمونیستی آن روز خیلی باارزش بود. هر چه داشتند، در اختیار چینی‌ها گذاشتند؛ حتی انرژی هسته‌ای را. انرژی هسته‌ای را جوان‌های ما خودشان به دست آوردند. چینی‌ها انرژی هسته‌ای را مثل یک هدیه‌ای از روس‌ها گرفتند؛ کمالین که به کره‌ی شمالی هم دادند؛ هم چینی‌ها دادند، هم روس‌ها دادند. ببینید پیشرفت‌های کشورهایی مثل چین، به برکت حملت‌های فوق‌العاده و استثنائی کشورهای دیگر بود. هند هم همین جور است؛ البته از جهات دیگری. آن وقتی که بین روسیه و چین اختلاف به وجود آمد - میدانید دیگر، تا چند ده سال متمادی بعد از دوره‌ی استالین، بین این دو کشور بزرگ کمونیستی اختلاف شدید و عمیقی بود؛ مثل اختلاف شرق و غرب و شاید هم یک خرده تندتر - این اختلاف موجب شد که روس‌ها آمدند به کمک هندی‌ها که همسایه‌ی چین بود؛ چینی‌ها هم رفتند به کمک پاکستان که رقیب هند بود! یعنی عوامل سیاسی در یارگیری‌ها تأثیر گذاشت. آن وقت چینی‌ها انرژی هسته‌ای را دادند به پاکستان؛ روس‌ها هم انرژی هسته‌ای و بسیاری از پیشرفت‌ها را دادند به هند. یعنی هم هند، هم پاکستان، دستاوردهایشان را از دیگران گرفتند. من هر چه نگاه میکنم، می‌بینم هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفت‌هایی پیدا کرده‌اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنی‌ها - در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه‌داری با ما به جد

دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود یک نقش مثلاً میانه‌ای ایفا کند، هیچگونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد - این جوان‌های باهوش و زیرک و احیاناً بسیار زبل از میان ملت ما، توانستند این نهال‌ها را رشد بدهند و به ثمر برسانند.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۰۶/۰۵.

## ۲-۱-۳- گسترش گفتمان مقاومت

نقطه‌ی سوّم، [یعنی] آن خطّ اساسی سوّم: فکر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است. چون اروپایی‌ها از وقتی که انقلاب صنعتی شد و جلو افتادند و استعمار را شروع کردند، مردم دنیا را و کشورهای دنیا را عادت دادند به اینکه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی دو حصّه‌ی متقابل حتمی دنیا است؛ یعنی دنیا تقسیم میشود به دولت‌های سلطه‌گر، و قدرت‌ها و دولت‌ها و کشورهای سلطه‌پذیر؛ این [وضع] بوده و این نظام سلطه چند قرن ادامه پیدا کرده. همه قبول داشتند که بایستی سلطه‌ی قدرت‌های غربی را قبول کنند، حتی فرهنگ آن‌ها را قبول کنند، حتی نامگذاری آن‌ها را قبول کنند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۳-۱- علم ابزار استعمار سلطه‌گران

مشکل اصلی دنیای دوران علم، دنیای متجدد و مدرن، این بود که علم در این دنیا در خدمت فساد، در خدمت طغیان، در خدمت تجاوز قرار گرفت. دانش یک موهبت خدائی است. بزرگترین ناسپاسی در قبال این موهبت بزرگ این است که دانش را یک نسلی، یک ملتی، یک مجموعه‌ای در برهه‌ای از زمان در خدمت ظلم و طغیان و تعدی و سرکوب کردن ارزشهای انسانی قرار بدهند. و این اتفاق در دو سه قرن اخیر بخصوص و در ده‌ها سال گذشته در دنیا افتاد.

ملت‌هایی به دانش دست پیدا کردند؛ این طبیعی است. دانش در طول تاریخ در میان ملت‌ها دست به دست می‌گردد. یک وقتی مرکز دانش، مناطق شرقی جهان بود، یک وقتی هم مرکز دانش،

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

مناطق غربی جهان شد. این ملت‌ها وقتی به دانش دست پیدا کردند، دانش را در خدمت استعمار به کار بردند، در خدمت سرکوب ملت‌ها به کار بردند. کشورهای زیادی با ملت‌های بسیار انبوهی در شرق و غرب عالم - در آفریقا، در آسیا - به واسطه‌ی دانش کشورهای غربی سرکوب شدند؛ به استعمار کشیده شدند؛ نسل‌های انسانی به اسارت گرفته شدند. سیاهان امروز آمریکا، فرزندان همان مستمندانی هستند که به وسیله‌ی استعمارگران غربی از کشورهای آفریقائی به اسارت گرفته شدند؛ از میان خانه و زندگی و مزرعه و زیستگاه خودشان این‌ها را مثل حیوانات صید کردند و به کار سخت گماشتند و آواره کردند. این کار در سرتاسر دنیا، در شبه قاره‌ی هند، در منتهی‌الیه آسیا، در دوران‌های سیاه هم اتفاق افتاد. با علم خود، با دانشی که به دست آورده بودند و موهبت الهی بود، بندگان خدا و خلق خدا را به ذلت کشیدند؛ به ستم دچار کردند؛ زندگی‌های آن‌ها را برای دوران‌های طولانی تباه کردند. بعد هم از همین دانش‌هایی که در اختیار گرفتند - و هر دانشی مثل پله‌ای است از یک مجموعه‌ی پلکان. وقتی انسان یک پله بالا رفت، فرصت و امکان پیدا میکند که به پله‌ی بعد و پله‌های بعد هم دست پیدا کند؛ این هم طبیعی است - با بالا رفتن از پلکان علم، بمب اتم ساخته شد؛ سلاح‌های شیمیائی ساخته شد؛ نسل‌هایی نابود شدند؛ انسان‌هایی به ماتم عزیزان خود نشستند؛ و دنیا آن چیزی شد که شما در جغرافیای سیاسی عالم مشاهده میکنید: تقسیم عالم به دو جناح زورگو و زورپذیر؛ ستمگر و ستم‌پذیر؛ آن هم با فاصله‌ی بسیار زیاد. این جغرافیای سیاسی عالم، جغرافیای فرهنگی عالم در دوران‌های اخیر این قرن‌های سیاه به این شکل رسید.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین (ع) ۲۶/۰۱/۱۳۸۸

یکی از بزرگترین جنایتهائی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگوئی. انگلیس‌ها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملت‌ها. شما میدانید در دوران حاکمیت انگلیس‌ها در شبه‌قاره، در این صحنه‌ی بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه‌ی شرق آسیا سال‌های متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه‌ی این‌ها بوده و با ابزار علم که این‌ها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسان‌هائی نابود شدند، چه آرزوهائی نابود شد، چه ملت‌هائی عقب افتادند، چه کشورهای خراب شدند. اینها از ابزار علم یک چنین استفاده‌ای کردند. این بزرگترین خیلنت به علم است؛ همچنان که بزرگترین خیانت به بشریت است. این‌ها میخواهند این انحصار شکسته نشود. هر ملتی که بتواند با استقلال - نه زیر بلیط آن‌ها و با مجوز آن‌ها و در اختیار آن‌ها و در مشیت آن‌ها - روی پای خود بایستد، یک ضربه به این انحصار زده؛ و این کار امروز خوشبختانه در ایران راه افتاده.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۳-۲- بیداری اسلامی

کشور ما در این تحول، در این ماجرا، در این داستان طولانی، یک جایگاه ویژه‌ای دارد. ما در این قضیه، یک تماشاچی نیستیم، یک عنصر برکنار نیستیم؛ کشور ما یک جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه ویژه ناشی از چیست؟ اولاً چون بیداری اسلامی از اینجا آغاز شد. این را همه میگویند، همه میفهمند، همه میدانند. آنچه که امروز ما به آن بیداری اسلامی میگوئیم، سی و چند سال قبل از

۱. بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای ۰۳/۱۲/۱۳۹۰

این در این کشور شروع شد، قربانیان خودش را گرفت، مجاهدت‌های خودش را عرضه کرد، به مقاصد و اهداف عالی خودش هم رسید، که تشکیل نظام اسلامی است.<sup>۱</sup>

این را نباید فراموش کرد که به توفیق الهی و به فضل الهی، جریان مقاومت در مقابل ظلم و زور، امروز در دنیا وجود دارد، متکی به نام خدا و به اسلام. منطقه‌ی ما یک نمونه‌ی از آن است. امروز در منطقه‌ی ما روحیه‌ی بیداری اسلامی بر بسیاری از ملت‌ها و کشورها حاکم است. اینکه شما ملاحظه میکنید قدرتمندان شیطان بزرگ - مستکبر دنیا، در رأس آنها آمریکای جنایت‌کار نسبت به این منطقه حساس هستند، به خاطر این است که در این منطقه روحیه‌ی گرایش به اسلام و اقبال به اسلام و بیداری اسلامی به‌طور واضح به چشم میخورد؛ این‌ها با بیداری ملت‌های مسلمان مخالفند، این‌ها از بیداری ملت‌های مسلمان میترسند. در هر جایی که اسلام توانسته است بر دل و جان مردم مسلط بشود، استکبار سیلی خورده و ما جداً معتقدیم که استکبار، بار دیگر از بیداری اسلامی در این منطقه سیلی خواهد خورد. عرض ما به برادران مسلمان، به ملت‌های مسلمان، به روشنفکران دنیای اسلام، به علمای محترم دینی در کشورهای اسلامی همین است؛ این حرکت اسلامی را هر چه میتوانید تقویت کنید؛ راه نجات این منطقه تقویت بیداری اسلامی است، تقویت حرکت مقاومت اسلامی است. این وظیفه متوجه عموم آحاد ملت‌های مسلمان است؛ بخصوص علمای اسلام، بخصوص روشنفکران، نویسندگان، شعرا، دانشمندان، هنرمندان، نخبگان سیاسی؛ این‌ها موظفند، این‌ها مخاطبند به خطاب دعوت پیامبر اسلام و هدایت اسلامی. امروز این زمینه در دنیای اسلام پدید آمده است؛ بخصوص در این منطقه‌ی غرب آسیا



زمینه‌ی بیداری اسلامی فراهم است؛ همه باید کمک کنند، این بیداری را به ثمر برسانند.<sup>۱</sup>

ما در طول تاریخمان، چنین وضعیتی را در کشورهای اسلامی نداشتیم. اینکه احساس هویت، احساس بیداری، نه در یک ملت، بلکه در کشورهای متعددی از کشورهای اسلامی پدید بیاید و این احساس بیداری، این احساس هویت، متکی به اسلام باشد، این را ما در گذشته هرگز نداشتیم؛ این مال امروز است؛ این یک نشانه است، نشانه‌ی تحول است. چون مسلمان‌ها یک میلیارد و نیم از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، ده‌ها کشور شامل اکثریت‌های مسلمان هستند و کشورها هم جاهای حساسی قرار دارند، بنابراین این بیداری یک امر عادی نیست؛ نشان‌دهنده‌ی یک تحول در ساخت و نقشه و هندسه‌ی جدید دنیاست.<sup>۲</sup>

امروز بیداری اسلامی به معنی توجه نخبگان و جوانان مسلمان به دارایی‌های معرفتی و معنوی خود، یک حقیقت انکار نشدنی است. امروز لیبرالیسم و کمونیسم که در صد سال پیش و پنجاه سال پیش برجسته‌ترین ارمغان‌های تمدن غرب شمرده می‌شد، بکلی از جلوه افتاده و عیوب درمان‌ناپذیر آنها آشکار شده است؛ نظام مبتنی بر آن یک، فروپاشید، و نظام مبتنی بر این دیگری هم درگیر بحران‌های عمیق و در شرف فروپاشی است.<sup>۳</sup>

دیدید در بعضی از این کشورهای عربی یک حرکت خوبی انجام گرفت، یک مبارزه‌ی خوبی به وجود آمد، یک غوغایی به پا شد، یک بیداری‌ای به وجود آمد، منتها مثل شعله‌ای که بیایند روی آن

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

۳. پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج ۰۷/۰۵/۱۳۹۹

خاکستر بریزند و خاک بریزند، خاموش شد؛ چرا؟ چون «لا تَرَكْنُوا آلِي الَّذِينَ ظَلَمُوا» را عمل نکردند. رکون کردند به آمریکا، به رژیم صهیونیستی؛ نفهمیدند چه کار باید بکنند، [لذا] این جور می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۳-۳-شکست طرح خاورمیانه بزرگ

یک نشانه‌ی دیگر، خیزش ناخیزِ ناموفق غرب به رهبری آمریکا، برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه‌ی ماست. یک خیزی برداشتند، این خیز ناموفق بود. قضیه‌ی عراق یا قضیه‌ی افغانستان، قضایای دفعی نبود؛ حوادثی نبود که بر اساس یک تصمیم آنی، فوری و دفعی به وجود آمده باشد؛ نه، این‌ها کاملاً برنامه‌ریزی شده بود؛ هدف هم تسلط کامل غرب به پیشتازی و رهبری آمریکا بر کل این منطقه بود ... بنابراین یک نشانه‌ی دیگر، تسلط کامل بر این منطقه‌ی حساس است. چرا این منطقه حساس است؟ چون اولاً در این منطقه، منابع بسیار غنی و عظیمی قرار دارد؛ منابعی که غرب به آنها نیاز دارد، و در درجه‌ی اول منابع انرژی. ثانیاً در اینجا موج اسلامی همیشه قابل انتظار و قابل توقع بوده؛ بخصوص بعد از پیدایش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، این موج را همیشه به نحو مبهم انتظار داشتند، برای اینکه بر این موج سیطره پیدا کنند. بنابراین سیطره‌ی همزمان، هم بر منابع غنی، هم بر موج اسلامی، آن‌ها را وادار کرد که یک خیزی بردارند و این منطقه را تصرف کنند، اما وسط راه افتادند؛ مثل کسی که خیز بر میدارد تا از یک جوئی عبور کند، اما زورش نمیرسد، وسط جوب می‌افتد. یک چنین اتفاقی افتاد. این خودش یکی از نشانه‌های تحول است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۶/۰۲/۱۳۹۸

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

---

---

## فصل سوم

---

---

### ۳- جایگاه ایران در نظم جدید جهان

علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا میکند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ این یک سؤال مهم است.<sup>۱</sup>

در این دنیای جدید ایران چه کاره است؟ ایران کجا قرار می‌گیرد؟ جایگاه کشور عزیز ما کجا است؟ این، آن چیزی است که باید شما روی آن فکر کنید؛ این، آن چیزی است که باید شما خودتان را برایش آماده کنید؛ این آن چیزی است که جوان ایرانی میتواند انجام بدهد. ما میتوانیم در این نظم جدید یک جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم؛ میتوانیم. چرا؟ برای خاطر اینکه کشور ما یک خصوصیات برجسته‌ای دارد که خیلی از کشورهای دیگر ندارند.<sup>۲</sup>

### ۳-۱- تحلیل درست وقایع جهانی

وضع جدیدی در حال شکل‌گیری است که البته هنوز هم شکل نگرفته است. ما اینجا بلید چه کار کنیم؟ به‌نظر ما دو مطلب، مهم است: مطلب اول این است که این واقعیت‌هایی که امروز مشاهده

---

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۲. همان

میکنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود، همچنان که هست فهمیده بشود؛ نه فقط در کشور ما [بلکه] در منطقه‌ی آسیا، هنوز کسانی، کشورهای، دولت‌هایی، شخصیت‌هایی، رجال سیاسی‌ای، جریان‌هایی وجود دارند که درک نمیکنند این واقعیتی را که بیان شد؛ این‌ها معتقدند که ما در مقابل غرب یک راه بیشتر نداریم، باید تسلیم غرب شد؛ حالا این تسلیم یا با طوع و رغبت است - یعنی پذیرش ارزش‌های غربی و تسلیم شدن در مقابل نظم‌ی که آن‌ها ابراز میکنند و توقعاتی که برای اداره‌ی جهان دارند - یا اگر چنانچه یک کشوری به طوع و رغبت تسلیم نشد، طرف آن‌ها نرفت، با آن‌ها همکاری نکرد، نسبت به خواسته‌های اساسی آن‌ها طوع و اطاعت نشان نداد، طبعاً مواجه خواهد شد با فشار؛ حالا فشار اقتصادی، فشار تحریم، فشار سیاسی، فشار نظامی؛ ناچار بایستی تسلیم شد، یا تسلیم آرام، یا تسلیم با سروصدا و مشکل! این تحلیل وجود دارد. این غلط است؛ این تحلیل تحلیل خطرناکی است؛ در کشور ما هم گوشه‌وکنار این تحلیل‌ها وجود دارد. نه، این جور نیست؛ همین‌طور که گفتیم، قدرت غربی بر این دو پایه بود - پایه‌های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه‌ی نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی - هر دوی این‌ها متزلزل شده است. ما این واقعیت را باید درک کنیم.

### ۳-۲- ایفای نقش در نظم جدید جهان

کار دومی که مهم است، این است که خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش‌آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در

داخل کشور و در بیرون کشور داریم. توجه بکنیم که ظرفیت‌های ما و توانایی‌های ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم؛ ما در بیرون کشور هم ظرفیت‌های مهمی داریم؛ طرف‌دارانی داریم، عمق راهبردی داریم؛ در منطقه، در کشور؛ بعضی به‌خاطر اسلام، بعضی به‌خاطر زبان، بعضی به‌خاطر مذهب شیعه؛ این‌ها عمق راهبردی کشور هستند؛ این‌ها جزو توانایی‌های ما هستند؛ از همه‌ی این توانایی‌ها باید استفاده کنیم. فقط هم در منطقه نیست، ما در آمریکای لاتین عمق راهبردی داریم، در قسمت‌های مهمی از آسیا عمق راهبردی داریم، امکانات استفاده داریم؛ از این‌ها بایستی استفاده کنیم، این‌ها کشور را قوی خواهد کرد.

### ۳-۲-۱- مسیر اقتدار ایران

سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله‌ی علم و فناوری است، یکی مسئله‌ی اقتصاد است، یکی مسئله‌ی فرهنگ است. در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ این‌ها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. مسئله‌ی جمعیت هم البته بسیار مهم است - همان‌طور که اشاره کردند که بعضی از آقایان هم روی این تکیه کردند - کاملاً بجا است، مسئله‌ی جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی؛ و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار. البته از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، مسئله‌ی فرهنگ است؛ بخصوص در سطح باورها و عقاید مردم. می‌بینید چقدر دارند سرمایه‌گذاری میکنند. اشاره شد که بسیاری از سرمایه‌های گوناگون بین‌المللی صرف ایجاد رسانه‌های اثرگذار میشود، از قبیل ماهواره و اینترنت و موبایل و امثال این‌ها؛ دارند سرمایه‌های زیادی را صرف

میکنند برای اینکه بر روی عقاید مردم و باورهای مردم اثر بگذارند و این‌ها را در واقع از حیطه‌ی نفوذ نظام اسلامی و ارزش‌های اسلامی خارج کنند؛ که البته پادزهر آن هم این است که ما بتوانیم در سطوح مختلف، نسبت به باورها طرح‌های تبیینی و اقناعی داشته باشیم؛ علمای ما، سازمان‌های فرهنگی ما، سازمان‌های تبلیغاتی ما، گویندگان ما، صداوسیما ما باید بتوانند این باورها را در ذهن مردم تثبیت کنند و تعمیق کنند که البته ارتباط مستقیم علما با مردم، یک عامل و عنصر بی‌بدیلی است؛ هیچ چیزی جای این را نمیگیرد، هیچ چیزی؛ حتی صداوسیما که یک رسانه‌ی فراگیر است، نمیتواند جای ارتباط مستقیم علما و متفکرین دینی را با مردم بگیرد. مسئله‌ی وحدت و همدلی در کشور هم بسیار مهم است. اختلاف سلیقه در زمینه‌های سیاسی - در زمینه‌های سیاسی خرد و کلان - وجود دارد، اما این اختلاف‌ها نباید وحدت کشور را و همدلی کشور را از بین ببرد؛ همه بایستی با هم باشند؛ یکی از نقاط مهم این است که از مسئولان هم همه باید حمایت کنند. حمایت منافات ندارد با اینکه شما یک ایرادی هم به فلان مسئول، یا دولت، یا قوه‌ی قضائیه، یا مجلس داشته باشید، اما حمایت باید به هر حال انجام بگیرد. علاوه بر اینکه خب بحمدالله مسئولان در حال تلاشند، دارند کار میکنند. در همین یک سالی که دولت جدید به وجود آمده، تلاش‌های زیادی کرده‌اند، کارهای زیادی انجام گرفته، این را انسان شاهد است، از نزدیک میبیند؛ خیلی کار کرده‌اند؛ توفیقات خوبی هم به دست آورده‌اند؛ قوه‌ی قضائیه همین جور؛ و دستگاه‌های مختلف مشغول کارند. من یادم می‌آید، گاهی خدمت امام افرادی می‌آمدند از دولت و از بعضی از نواقص و مانند این‌ها گله میکردند که مثلاً فلان‌جا این کار انجام گرفته؛ امام در جواب این‌ها میگفتند آقا، اداره‌ی کشور کار سختی است! واقع قضیه هم همین است:

مدیریت دستگاه‌ها کار سختی است. یک نفری ممکن است از جهت فکری، از جهت عملی، از جهت سلامت رفتاری، هیچ عیب و نقصی هم نداشته باشد، اما دستگاهی که زیر نظر او است مشکلاتی پیدا بکند، این پیش می‌آید؛ یعنی واقعاً فراگیری و شمول همه‌ی اطراف و جوانب قضایا، کار آسانی نیست؛ پیش می‌آید دیگر، حالا مشکلاتی هم هست. البته کسی با انتقاد کردن مخالف نیست - ایراد کردن، انتقاد کردن، نقاط ضعف برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی را مطرح کردن؛ کسی منکر این‌ها نیست - اما این‌ها نباید به معنای تخریب و ایستادگی در مقابل تلاش و امثال این‌ها باشد. حمایت و کمک به دولت و دستگاه‌های اجرایی و عملیاتی را همه بایستی وظیفه‌ی خودمان بدانیم که ان شاء الله انجام بگیرد.

### ۳-۳- دیپلماسی قوی و کارآمد

در کنار بازیگران سنتی، بازیگران جدیدی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وارد عرصه شده اند و در تلاشند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند. در این دوران، دیپلماسی قوی و کارآمد اهمیت مضاعفی می‌یابد و به همین علت، امروز کار وزارت خارجه از گذشته حساس‌تر است. اگر در مقطع فعلی دستگاه دیپلماسی بتواند حضور فعال، هوشمندانه و مقتدرانه داشته باشد، جایگاه و استحکام جمهوری اسلامی در چندین ده سال آینده و در نظم جدید جهانی به عنوان جایگاهی برجسته تثبیت می‌شود و گرنه، در جهان پیش رو، از موقعیت لازم برخوردار نخواهیم بود.

### ۳-۳-۱- استفاده از پیوستگی کشورهای جنبش عدم تعهد

خوشبختانه چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چند وجهی است که در آن، قطب‌های سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع و با

خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند. اتفاقات شگرفی که در سه دهه‌ی اخیر شاهد آن بوده‌ایم، آشکارا نشان می‌دهد که برآمدن قدرت‌های جدید با بروز ضعف در قدرت‌های قدیمی همراه بوده است. این جابه‌جائی تدریجی قدرت، به کشورهای عدم تعهد فرصت می‌دهد تا نقش مؤثر و شایسته‌ای را در عرصه‌ی جهانی بر عهده بگیرند و زمینه‌ی یک مدیریت عادلانه و واقعاً مشارکتی را در پهنه‌ی گیتی فراهم آورند. ما کشورهای عضو این جنبش توانسته‌ایم در یک دوران طولانی، با وجود تنوع دیدگاه‌ها و گرایش‌ها، همبستگی و پیوند خود را در چهارچوب آرمان‌های مشترک حفظ کنیم؛ و این دستاورد ساده و کوچکی نیست. این پیوند میتواند دستمایه‌ی گذار به نظامی عادلانه و انسانی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### ۳-۴- حفظ وحدت امت اسلامی

یک نقطه‌ی اساسی اینجا وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد و آن، این است که امروز، هر روز بیشتر روشن می‌شود که هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است؛ امروز روزبه‌روز بیشتر واضح می‌شود که نقشه‌ی سیاسی دنیا در حال تغییر است. آن مسئله‌ی یک‌قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت — یا دو قدرت؛ فرق نمی‌کند — بر کشورها و بر ملت‌ها و مانند این‌ها، مشروعیت خودش را از دست داده؛ یعنی ملت‌ها بیدار شده‌اند. نظام تک‌قطبی مطرود شده است و بتدریج دارد مطرودتر میشود. شما امروز در دنیا زیاد می‌شنوید این حرف را از زبان سیاستمدارهای درجه‌ی یک دنیا که نظام تک‌قطبی را قبول نداریم. نظام تک‌قطبی یعنی چه؟ یعنی اینکه مثلاً فرض کنید آمریکا بنشینند برای عراق یا برای سوریه یا برای ایران یا برای لبنان یا برای فلان [کشور] طراحی

۱. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۱۳۹۱/۰۶/۰۹.



کند که «باید این کار را بکنید، باید این بشود، باید این نشود»؛ گاهی بگوید، گاهی هم نگوید، اما عمل کند. امروز این جوری است؛ طراح می‌کنند برای کشورها و بسیج می‌کنند نیروهایشان را.

خب نقشه دارند؛ استکبار نقشه دارد. [اما] این دارد تغییر می‌کند؛ تدریجاً این حالت تسلّطی که استکبار جهانی بر کشورها و بر ملت‌ها و بر مناطق گوناگون داشته، دارد تغییر می‌کند؛ درست مثل تغییری که در دوران نهضت‌های ضد‌استعماری در میانه‌ی قرن ۲۰ اتفاق افتاد که مکرراً پشت سر هم کشورها قیام کردند علیه استعمار مستقیم — در آسیا یک جور، در آفریقا یک جور، در آمریکای لاتین یک جور — که نقشه‌ی سیاسی دنیا یک تغییر عمده‌ای در آن روز کرد، امروز هم یک تغییر عمده‌ای دارد می‌کند. این حرکت زیرپوستی و آرام سلطه‌گرانه‌ی استکبار جهانی علیه ملت‌ها، دارد بتدریج مشروعیت خودش را به طور واضح از دست می‌دهد از نظر ملت‌ها؛ از اول که مشروع نبوده، لکن ملت‌ها نظرشان دارد نسبت به این روشن می‌شود. خب وضع جدیدی پیش خواهد آمد، دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد. ممکن است ما نتوانیم دقیقاً حدس بزنیم که این دنیای جدید چه شکلی است، لکن مطمئنیم که بتدریج در طول سال‌ها دنیای جدیدی دارد تشکیل می‌شود. خب جایگاه امت اسلامی در این دنیای جدید کجا است؟ این سؤال مهمی است.

امت اسلامی [یعنی] بیش از یک و نیم میلیارد نفوس انسانی با این تاریخ عظیم و مشعشع علمی ما — خب بله، ما چند قرن اخیر از لحاظ علمی سقوط کردیم، اما قبل از آن، اوج قلّه‌ی علم متعلق به ما مسلمانان بوده دیگر؛ این میراث ما است؛ این در اختیار ما است — با داشتن ثروت‌های طبیعی، با داشتن ثروت‌های انسانی، با داشتن انگیزه‌های نو برای تجدّد؛ جایگاه این دنیای اسلام و امت اسلامی با این خصوصیات کجا است؟ در این دنیای

جدیدی که دارد به وجود می‌آید، ما کجا قرار خواهیم گرفت؟ نقطه‌ی توقف ما و نقطه‌ی حضور ما کجا است؟ این خیلی مهم است؛ این مسئله‌ای است که باید امت اسلامی برایش فکر کند. این حوادثی که در دنیای غرب، در اروپا دارد پیش می‌آید، این حوادث عادی نیست؛ این‌ها نشان‌دهنده‌ی یک تغییرات عمده است.

خب ما میتوانیم نقش مهمی داشته باشیم. ما امت اسلامی، ما کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی در دنیای جدیدی که دارد بتدریج شکل می‌گیرد، میتوانیم جایگاه رفیعی داشته باشیم، میتوانیم به عنوان یک الگو مطرح بشویم، میتوانیم به عنوان پیشرو مطرح بشویم، اما به یک شرط؛ شرطش چیست؟ **اتحاد**، نداشتن تفرقه، خلاص شدن از شرّ وسوسه‌های دشمن، وسوسه‌های آمریکا، وسوسه‌های صهیونیست‌ها، وسوسه‌های کمپانی‌ها؛ [خلاص شدن] از شرّ وسوسه‌های اینها که گاهی این وسوسه‌ها از زبان خودی‌ها شنیده میشود. می‌بینیم در دنیای اسلام، کسانی از داخل دنیای اسلام همان حرف آن‌ها را تکرار میکنند، همان‌ها را می‌گویند؛ از شرّ این‌ها خلاص بشویم با اتحاد، با نفی تفرقه، با انسجام داخلی؛ این شرطش است. اگر این شرط را بتوانیم عملی بکنیم، بلاشک خواهیم توانست امت اسلامی را در جایگاه رفیعی در دنیای آینده و شکل آینده‌ی جغرافیای سیاسی جهان قرار بدهیم.

### ۳-۵- رسالت دانشگاه در قبال جایگاه ایران در نظم جدید آینده جهان

بنابراین وضع دنیا که در آستانه‌ی یک تحول یا در حال یک تحول است، قابل انکار نیست؛ موقعیت ویژه‌ی کشور هم قابل انکار نیست. حالا اینجا یک سؤال مطرح میشود. سؤال این است که آیا دانشگاه کشور - و نیز البته حوزه‌ی علمیه - در قبال این حوادثی

که در دنیا دارد اتفاق می‌افتد، مسئولیتی دارد یا نه؟ من می‌خواهم شما اساتید محترم، دانشمندان محترم، نخبگان بزرگ کشور، این را مورد توجه قرار دهید. آیا در یک چنین شرائط به این اهمیت و حساسیت، دانشگاه یا حوزه می‌توانند برای خودشان یک مسئولیتی تعریف نکنند و نقش تماشاچی داشته باشند؟ چه برسد به اینکه خدای نکرده بخواهند نقشی در حمایت از جبهه‌ی مقابل جبهه‌ی حق به عهده بگیرند. آنچه که به نظرم میرسد لازم است، این است که دانشگاه‌های کشور و حوزه‌های علمیه‌ی کشور در این شرائط، مسئولیت سنگینی دارند. کار توفیق ملت ایران و کشور ایران در این برهه‌ی بسیار مهم و حساس تاریخی، در درجه‌ی اول بر دوش دانشمندان است. اگر در درجه‌ی اول هم نگوئیم، یقیناً یکی از عناصر رتبه‌ی اول و صف اول برای تأثیرگذاری در این تحولات، دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه می‌تواند کاری کند که کشور و ملت و تاریخ ما در این تحول برنده باشد؛ می‌تواند هم خدای نکرده کاری کند که نه، برنده نباشد. به نظر من دانشگاه در این زمینه مسئولیت بسیار حساس و بزرگی دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۶- وظیفه دینی و تاریخی مسئولین کشورهای اسلامی

ما در قبال امت اسلامی، یک وظیفه‌ی دینی بزرگ داریم - همه‌ی ما؛ همه‌ی کسانی که جایگاهی در بخشی از دنیای اسلام دارند؛ شماها از این قبیل [هستید]، ما هم از این قبیل [هستیم] - همه‌ی ما وظیفه‌ی دینی داریم، یعنی اسلام و دین از ما مطالباتی دارند؛ اولاً آن را انجام بدهیم. ثانیاً یک وظیفه‌ی تاریخی داریم؛ آن طور که انسان احساس میکند، امروز، دنیا در جریان یک تحولات مهمی است؛ آبستن تحولات مهمی است؛ همه‌ی دنیا، نه فقط

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

منطقه‌ی آسیا یا آفریقا یا غرب آسیا بالخصوص؛ در همه‌ی عالم احساس میشود تحولاتی در حال وقوع است؛ بایستی در این تحولات، نقش ایفا کرد. دنیای اسلام در یک برهه‌ای ضربه‌ی سختی خورده است؛ بعد از جنگ بین‌الملل اول، دنیای اسلام تکه‌پاره شد و کسانی که هیچ اهلیتی نداشتند، هیچ استحقاقی نداشتند، بر کشورهای اسلامی-در غرب آسیا، در شمال آفریقا-مسلط شدند؛ بدون هیچ دلیلی، بدون هیچ استحقاقی؛ و آثار بلندمدت آن در دنیای اسلام ماند و ضربه‌های آن زده شد؛ نباید بگذاریم بار دیگر چنین حادثه‌ای و چنین تجربه‌ای تکرار بشود.<sup>۱</sup>

### ۳-۷- ظرفیت‌ها برای نقش آفرینی در نظام جدید جهانی

#### ۳-۷-۱- نیروی انسانی مستعد

اولاً نیروی انسانی؛ ما نیروی انسانی بسیار خوبی داریم؛ یعنی هوش و استعداد جوان ایرانی از متوسط هوش و استعداد دنیا بالاتر است؛ این هست. ما امروز داریم برکات هوش و استعداد جوان متولد دهه‌ی شصت و هفتاد را جلوی چشم خودمان می‌بینیم. الان جوان‌هایی و این کسانی که امروز در بخش‌های علمی گوناگون، بخش‌های فناوری گوناگون دارند نوآوری میکنند، دارند تازه‌سازی میکنند — در بخش‌های مختلف، بخش‌های مختلف علمی — در بعضی از بخش‌ها کشور را جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار میدهند، همان متولدین دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۷۰ و مانند این‌ها هستند؛ امروز به ثمر رسیده‌اند؛ و ان‌شاءالله ملت ایران برکات متولدین دهه‌ی ۸۰ را — که اغلب شماها باشید — و دهه‌ی ۹۰ را هم در آینده خواهد دید. خوب حالا البته مزاحمت‌هایی هم وجود

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان

خواهد داشت، مشکلاتی هم وجود دارد که این‌ها میتواند مانع بشود. خب پس بنابراین اولین امتیاز ما، امتیاز نیروی انسانی است.<sup>۱</sup> جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه تأسّف است که بعضی‌ها از کثرت افراد جوان در کشور ما به‌عنوان یک نعمت یاد نمیکنند؛ در حالیکه این بزرگترین سرمایه است. این‌همه جوانِ تشنه کار و فعالیت، چیز بسیار باارزشی است.<sup>۲</sup>

### ۳-۷-۲- منابع طبیعی ایران

امتیاز دوم، نیروهای طبیعت، طبیعت کشور؛ ما در کشور منابعی داریم که تنوع منابع طبیعی در کشور ما جزو کم‌نظیرترین تنوع‌ها در دنیا است. من یک وقتی اینجا در همین حسینیه در یک سخنرانی — الان آمارش را یادم نیست، آن روز مطالعه کرده بودم یادم بود — گفتم که در این چند فلز اساسی لازم برای صنعت، ما خودمان یک درصد جمعیت دنیا هستیم، یک درصدیم اما این چند **فلز** در کشور ما چهار درصد، پنج درصد موجودی دنیا است؛ یعنی ما بیشتر از اندازه‌ی ملت خودمان منابع طبیعی‌مان سرشارند. حالا من فلزها را گفتم، گیاهان هم همین جورند، **گیاهان دارویی** هم همین جورند، **معادن** هم همین جورند؛ از این جهت ما خیلی ثروتمندیم. روی معادن بنده چقدر تکیه کرده‌ام در دولت‌های مختلف، متأسّفانه خب خیلی نپرداختند، و خیلی از دولت‌ها گوش نکردند به حرف ما. امیدواریم ان‌شاءالله این دولت آبه این امور بپردازد. شنیدم کارهای خوبی هم دارند میکنند در زمینه‌ی معادن؛ خب پس این هم یک نقطه‌ی اساسی دیگر.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲

۳. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

برخی از خصوصیات، خصوصیات طبیعی کشور ماست که برجستگی دارد. من خواهش میکنم مسؤولانی که از مواهب طبیعی الهی در کشور ما آگاهی و آمارهای خوبی دارند و برای ما هم مطرح کرده‌اند، این‌ها را در اختیار افکار عمومی و بخصوص در اختیار مسؤولان قرار دهند. به جای این که آیه یأس بخوانند و هر تلاشی را ناموفق جلوه دهند، این همه امکانات و توانمندی‌ها و موجودی با ارزشی را که در این کشور بزرگ نهفته است، برای مردم بیان کنند. ما تقریباً یکصدم جمعیت دنیا را داریم؛ خاک ما هم تقریباً یکصدم سطح خشکی‌های دنیاست؛ اما سهم ما از منابع طبیعی، بسیار بیشتر از معدّل سهم یکصدم ماست. در نفت، ذخایر ما برجسته است و در شمار چند کشور اول دنیا هستیم. دومین ذخیره غنی گاز در همه دنیا را ما داریم، که از سهم معدّل ما خیلی بیشتر است. دو درصد معادن آهن دنیا در کشور ماست، که دو برابر سهم معادن مس ما پنج درصد همه مس دنیاست؛ یعنی پنج برابر سهم ماست. معادن روی و سرب ما سه و نیم درصد است، که چند برابر سهم طبیعی ما در دنیاست. خیلی از کشورها این‌ها را ندارند. متخصصین و مطلعین این کار گفته‌اند - به نظر من نکته بسیار جالبی است - که سرب و روی و مس، فلزهای پایه نام دارند. هر کشوری این معادن را داشته باشد، مشخص میشود که اغلب معادن کانی دیگر را هم دارد. ممکن است ما معادن فلزی کشف نشده دیگری هم داشته باشیم که وجود این سه عنصر - یعنی مس و روی و سرب - در کشور ما، آن‌هم به میزان زیاد، نشان‌دهنده وجود آن معادن هم هست. از بیست و چهار نوع ماده معدنی فلزی، دوازده نوع آن در ایران وجود دارد که تا الان شناخته شده؛ ممکن است بیشتر هم باشد که بعدها شناخته شود. از پنجاه نوع ماده معدنی غیرفلزی که در دنیا شناخته شده، سی و شش نوع آن در ایران

وجود دارد؛ یعنی تنوع معادن فلزی و غیرفلزی. این‌ها امکانات طبیعی باارزشی است که ما در کشور داریم.<sup>۱</sup>

### ۳-۷-۳- موقعیت جغرافیایی

بنابراین کشور ما، هم از لحاظ نیروی انسانی امتیاز دارد، هم از لحاظ نیروهای طبیعی امتیاز دارد، هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی؛ ما چهارراه ارتباطات شرق و غرب و شمال و جنوبیم. شما روی نقشه نگاه کنید، نقشه‌ی دنیا را بگذارید نگاه کنید؛ ما در یک نقطه‌ی حسّاس هستیم. شرق و غرب از ما میتوانند عبور کنند؛ شمال و جنوب هم از ما میتوانند عبور کنند. ما یک معبّر ترانزیت بسیار پیشرفته و خوبی میتوانیم در دنیا باشیم. البته احتیاج دارد به خطوط راه‌آهن، خطوط ریلی؛ با جاده نمیشود که من راجع به این خطوط ریلی هم باز — این درددل‌ها را با شما جوان‌ها باید بکنیم — مکرر در دولت‌های مختلف راجع به خطوط ریلی من تأکید کرده‌ام؛ متأسفانه کوتاهی شده. البته در آن اوایل بعد از رحلت امام چرا، یک مقداری کارهای ریلی خوبی انجام شد، [ولی] بعدش دیگر کار درستی انجام نشده و حالا ان‌شاءالله بنا دارند کارهای خوبی را انجام بدهند. ما بایستی ان‌شاءالله در این زمینه‌ی رفت‌وآمدها و حمل و نقل بتوانیم جایگاه خودمان را پیدا کنیم.<sup>۲</sup>

تنوع اقلیمی و آب و هوای مختلف در کشور ما خودش یک فرصت بزرگ است. دریاها در جنوب و شمال، از فرصت‌های بسیار باارزش است. موقعیت مهم جغرافیایی و ارتباطی در اتصال شرق و غرب عالم، از لحاظ بازرگانی و بسیاری فعالیت‌های دیگر، از موقعیت‌های باارزش است.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲

### ۳-۷-۴- منطق حکومتی

از همه‌ی این چند امتیاز مهم‌تر، منطق حکومتی و تمدنی ما است که همان جمهوری اسلامی است. ما جمع کردیم بین جمهوری و بین اسلامی؛ جمع کردیم بین حضور مردم و آراء مردم و معارف الهی؛ جمع بین این دو کار آسانی نیست، [ولی] ما این کار را به توفیق الهی انجام دادیم. البته نقص‌هایی داریم. من هیچ وقت ادعا نمیکنم در این زمینه‌ها نقص نداریم؛ نه، نقص‌هایی داریم اما حرف، منطق، یک منطق جدیدی است در دنیا. خب، این راجع به این مسائل.<sup>۱</sup>

### ۳-۷-۴-۱- مردم‌سالاری دینی

در کنار همه این‌ها و یکی از مهمترین اقلام، مردم‌سالاری دینی است؛ مردم‌سالاری برخاسته از اسلام که مایه افتخار مسلمانان است. این کشور هرگز طعم بروز و تجسم اراده‌های مردمی را در طول تاریخش نچشیده بود؛ جز در یک دوره کوتاه در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت، آن هم با آن همه محدودیت‌ها که داستان آن مفصل است. زمان بسیار کوتاهی بود؛ بعد هم طاقت نیاوردند و زدند خرابش کردند و نتوانست خود را نگه‌دارد. ما توانسته‌ایم مردم‌سالاری، حضور مردم در انتخابات، در تعیین رئیس‌جمهور، در تعیین نمایندگان مجلس و حضور در عرصه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری را در کشورمان شاهد باشیم؛ این هنر بزرگ نظام اسلامی است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲



### ۳-۲-۴-۲- پیام جهانی انقلاب اسلامی

چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده. نمیگوییم انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کل بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامی «ایران» بود، متوجه مسائل ایران بود، متوجه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود؛ اما زبان این انقلاب و پیام این انقلاب پیامی بود و زبانی بود که نمیتواند و نمیتوانست - به طبع حال - در مرزهای ایران منحصر بماند؛ یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیلهی انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس میکند که به این پیام دل بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود.

#### • سرسختی در مقابل شیوه‌های متداول غرب

نکته و عاملی که کشور را از موقعیت ویژه برخوردار میکند، سرسختی در برابر شیوه‌های متداول غرب در پیشبرد کارهای خود است. در طول این دورانی که غرب سیادت سیاسی بر دنیا داشته، شیوه‌های متداولی به کار برده؛ این شیوه‌ها را مکرر ملاحظه کردید: تهدید میکنند، جنگ آفرینی میکنند، ترور میکنند، کشتار میکنند، تطمیع میکنند، اختلاف افکنی میکنند. این‌ها شیوه‌های معروف و شناخته شده‌ی غرب در دوران سیادت دوپست سیصد ساله‌اش است. کشور ایران، نظام جمهوری اسلامی، ملت ایران، نخبگان ایران در مقابل این شیوه‌ها سرسختی نشان دادند؛ تهدید اثر نکرده، اختلاف افکنی‌ها اثر نکرده - مسئله‌ی اختلاف افکنی خیلی

مهم است - نتوانستند بر حرکت عمومی ملت ایران غلبه کنند. خب، این موقعیت ویژه‌ی کشور ماست.<sup>۱</sup>

### ۳-۶-۴-۳- پلایه‌های اعتقادی، ایمانی، عقلی و عاطفی نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی در کشور ما بر یک ساخت مستحکمی بنا شده که شالوده‌اش عبارت است از اعتقاد و ایمان، عقل و عاطفه. در شالوده‌ی این نظام مستحکم، هم اعتقادات و ایمان مردم و مسئولین سهیم است، هم عقلانیت‌ها ... و هم عواطف. یک چنین ساخت مستحکمی به وجود آمده، که من نظیر این را همین الان دیگر در سطح دنیا به یاد ندارم؛ نظامی که متکی است به ایمان مردم، در عین حال به مبانی اعتقادی، در عین حال به عقلانیت، و در عین حال به عواطف شدید.<sup>۲</sup>

### ۳-۷-۴-۴- آمیختگی دین و زندگی

آنچه که من به شما جوانان عزیز و فرزندان خودم عرض میکنم، این است که بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌ی عالم دارد آغاز میشود. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال دموکراسی غرب جاذبه دارد - می‌بینید در مهد لیبرال دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف میکنند به شکست - نه ناسیونالیست‌های سکولار جاذبه‌ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

۲. همان

اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز میتواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنائی است.<sup>۱</sup> در مقابل سترون و نازا بودن غرب در برون‌زائی اندیشه‌های نو - که بعد از اومانیسم و مکتب‌هائی که متکی به اومانیسم هستند و فلسفه‌های زائیده و منشأ گرفته‌ی از اومانیسم غربی، دیگر غرب زایش فکری نداشته و ایده‌ی نو برای بشر و حیات انسان ارائه نداده - جمهوری اسلامی دارای زایش فکری است. ما برای مسائل روحی انسان، برای مسائل اجتماعی انسان، برای مسائل حکومتی انسان، حرف‌های تازه‌ای داریم. حرف تازه معنایش این نیست که اگر گفته شد، همه‌ی دنیا آن را قبول خواهند کرد؛ معنایش این است که یک جریان جدیدی را در دریاچه‌ی عظیم فکر بشری به وجود می‌آورد؛ موج‌آفرینی میکند. ما امروز در زمینه‌ی مسائل سیاسی، «مردم‌سالاری دینی» را عرضه میکنیم؛ در زمینه‌ی مسائل عمومی اجتماعی، «ابتناء تمدن بر معنویت» را ارائه میکنیم؛ در زمینه‌های گوناگون، «کرامت انسان» را مطرح میکنیم؛ «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح میکنیم. این‌ها حرف نوئی است؛ این‌ها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته؛ حتی قبل از دوران مادگیری و اومانیسم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم این‌طور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد؛ ابداً. بله، در یک بخش‌هائی از دنیا روحانیون حکومت داشتند؛ حکومت کلیسا. حالا با تاریخ پیچیده و طولانی‌ای که اروپا دارد، بین دستگاه‌های کلیسایی و حکومتها یک جنگی بود؛ اما به هر حال دستگاه‌های کلیسایی هم حکومت داشتند. این معنایش این نبود که زندگی

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری

مردم آمیخته‌ی با دین است؛ دین منشأ مقررات و قوانین زندگی برای مردم است؛ به‌هیچ‌وجه چنین چیزی در غرب وجود نداشته؛ در کشورهای اسلامی هم هرگز وجود نداشته، جز در صدر اسلام. این حرف نوئی است که امروز ما داریم مطرح میکنیم و میگوئیم دین با زندگی یکی است. زندگی چیست؟ زندگی یعنی سیاست، فعالیت، تجارت، اقتصاد و همه چیز؛ این حرف نوئی است که دارد مطرح میشود.<sup>۱</sup>

### ۳-۷-۵- پیشرفت و ترویج علم

انقلاب و نظام اسلامی، کشوری را که حدود هفتاد و چند درصد بی‌سواد داشته، تحویل گرفته؛ اما امروز ما به کشوری با درصد بسیار بالای سواد تبدیل شده‌ایم که من درصد آن را تعیین نمیکنم، چون نمیخواهم یکی دو درصد بالا و پایین گفته شود؛ اما درصدش مشخص است. در توسعه دانشگاه و دانشجو، کشور ما یک کار معجزآسا انجام داده است. بیش از ده برابر هنگامی که نظام اسلامی تشکیل شد، ما امروز دانشجو داریم. ما در همه اقطار کشور دانشگاه داریم. کدام شهر کوچک و بزرگ در اطراف این کشور هست که یکی دو تا یا بیشتر دانشگاه در آن نباشد؟ در عرصه فناوری - پتروشیمی، نفت، فولاد، تولیدات و صنایع دفاعی - پیشرفت‌ها حیرت‌آور است. سامانه‌های دفاعیای که امروز در کشور تولید میشود، یک روز به رؤیا و خواب هم نمی‌آمد که کشور ما بتواند حتی محصولاتش را داشته باشد؛ اما امروز این‌ها را تولید میکنند. در فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد میشود، مجبور شدند علی‌رغم همه دشمنی‌ها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه سوخت هسته‌ای تولید کند. این چیز کمی نیست.

البته وقتی چنین موفقیتی پیش می‌آید، این جنجال را هم دنبالش راه می‌اندازند که بله، این‌ها می‌خواهند چنین کنند، چنان کنند؛ بمب بسازند. این پیشرفت‌های مهم به برکت نظام اسلامی به‌وجود آمده است. هر کدام از دانشگاه‌های مهم و بزرگ که بنده گاهی از آن‌ها بازدید داشته‌ام - از دور هم اطلاع داشتم، از نزدیک هم که می‌روم می‌بینم - کارهای تحقیقاتیشان تحسین‌برانگیز است. این در حالی است که گرفتاری‌های دولت در طول سال‌های گذشته کمتر اجازه داده سهم بودجه تحقیقات، آن‌چنان‌که باید و شاید، باشد. در زمینه‌های پزشکی و همچنین توجّه به زیر ساخت‌های کشور - احداث سد، راه، پایانه‌های دریایی برای نفت - و دیگر چیزها پیشرفتهای چشمگیری داشته‌ایم. این‌ها واقعاً به فضل پروردگار و در عین استقلال و استغناء به‌وجود آمده است. همه درهای اساسی را در دنیا به روی ما بسته بودند؛ شاید این برای ما نعمتی بود: «فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیه خیرا کثیراً». گاهی اوقات از این‌که درهای دنیا به روی ما بسته باشد، خیلی ناراحت می‌شویم؛ اما همین موجب می‌شود که ما به خودمان بپردازیم و از استعداد خودمان استفاده کنیم و این رشدها و شکوفایی‌ها به‌وجود آید. کارشناسان، داخلی؛ کنندگان اصلی، داخلی. البته از دانش جهانی تا آن جایی که توانسته‌ایم، استفاده کرده‌ایم؛ چون دانش جهانی متعلّق به همه انسانهاست؛ دانش ما هم متعلّق به همه انسان‌هاست. یک روز دنیای اسلام به همه دنیا خدمت کرد؛ امروز هم ما از دانش جهانی استفاده می‌کنیم. در دوران انقلاب، ما با تحریم و جنگ و مشکلات گوناگون و کارشکنی‌ها مواجه بوده‌ایم؛ اما به فضل پروردگار این موفقیت‌ها در نظام اسلامی به دست آمده و جزو افتخارات نظام اسلامی است.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲

## منابع

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱
۲. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۰۲/۰۴/۱۳۸۹
۳. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳/۰۶/۱۳۹۳
۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۶/۰۲/۱۴۰۱
۵. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۲۵/۰۵/۱۳۸۳
۶. بیانات در دیدار دانش‌آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱
۷. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۰/۰۸/۱۳۹۱
۸. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۷
۹. بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای ۰۳/۱۲/۱۳۹۰
۱۰. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۰/۱۱/۱۳۹۰
۱۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی ۲۶/۱۰/۱۳۹۶
۱۲. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۹
۱۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۵/۰۵/۱۳۸۲
۱۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷
۱۵. بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۰۵/۰۶/۱۳۸۷

۱۶. بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۱۷. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۱۳۹۱/۰۶/۰۹
۱۸. بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶
۱۹. بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۱/۰۳/۱۴
۲۰. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۸۸/۰۱/۲۶
۲۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۰۳/۱۴
۲۲. بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲
۲۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۴۰۱/۰۴/۱۷
۲۴. پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج ۱۳۹۹/۰۵/۰۷
۲۵. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹/۱۲/۳۰
۲۶. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۰۱/۱۰
۲۷. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۴۰۰/۰۲/۱۷
۲۸. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۴۰۱/۰۲/۰۹